

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)  
سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷، پاییز ۱۳۹۷ صفحه ۲۳-۵۴

## تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی

حمید درج\*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

رضا التیامی نیا

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

### چکیده

قطر کشور کوچک و ثروتمند حاشیه جنوبی خلیج فارس به یکی از بازیگران قابل‌اعتنا و تأثیرگذار در منطقه تبدیل شده است. آنچه نقش قطر را در دیپلماسی منطقه‌ای طی چند سال گذشته پررنگ ساخته، توانایی‌های سیاسی و تأثیرگذاری رسانه‌ای این شیخ‌نشین کوچک است. طی بحران سوریه، قطر در کنار مخالفان و در رویارویی با دولت بشار اسد قرار گرفت و برای سرنگونی اسد تلاش گسترده‌ای به خرج داد، اما با ارزیابی دقیق‌تر از شرایط، در تلاش است نسبت به تعدیل سیاست‌های قبلی خود اقدام کند. در این مقاله، نویسندگان در پی پاسخ به این پرسش‌اند که دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه از ابتدای بحران تاکنون چگونه عمل کرده است؟ و همچنین به این پرسش، پاسخ می‌دهند که مهم‌ترین دلیل یا دلایل تنش سیاسی قطر و عربستان سعودی در چیست؟ پژوهش حاضر با استفاده از نظریه دیپلماسی عمومی و بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد. نتایج حاصل از تحقیق حکایت از آن دارد که بروز تنش در روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی، رویکرد قطر نسبت به بحران سوریه را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ که این موضوع منجر به ایجاد روابطی نزدیک میان تهران-دوحه شده است.

**واژگان کلیدی:** قطر، سیاست خارجی، بحران سوریه، دیپلماسی عمومی، روابط سیاسی.

## مقدمه

قطر طی دو دهه گذشته تلاش کرده خود را به‌عنوان بازیگری جدید بشناساند و در مسائل و تحولات منطقه‌ای نقشی مانند بازیگران اصلی منطقه مثل عربستان سعودی، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران بازی کند. دولتمردان قطر به این واقعیت پی برده و واقفند که اگر بخواهند سیاست خارجی فعال و موفق‌تری را در پیش بگیرند باید بر روی نوع دوم قدرت، یعنی قدرت نرم و منابع اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری بیشتری داشته باشند. قطر کشوری نیست که بتواند سیاست برون‌مرزی خود را از طریق قدرت سخت تعریف کند، زیرا در همه ابعاد این قدرت (سرزمین، جمعیت و نیروی نظامی) جز اقتصاد، کشوری ضعیف قلمداد می‌شود. به همین خاطر این امیرنشین در تعریف استراتژی سیاست خارجی خود، مؤلفه‌های مناسب دیگری نظیر تبلیغات رسانه‌ای، قابلیت‌های دیپلماسی، فرهنگی و اقتصادی را برای تأثیرگذاری بر دیگر کشورها و شناخته شدنش در سطح منطقه‌ای و جهانی مورد استفاده قرار داده است. قطر با حمایت‌های رسانه‌ای و مالی خود از معارضان سوری و تسلیح کردن آن‌ها درصدد به زانو درآوردن خانواده اسد در سوریه برآمده است، اما مقاومت و ایستادگی نظام سوریه و پیروزی‌های محور مقاومت، سیاست‌ها و برنامه‌های دوحه را با چالش جدی مواجه کرده است و درصدد تعدیل سیاست‌های قبلی خود در قبال بحران این کشور برآمده است و راهکارهای دیپلماتیک را برای حل و فصل بحران سوریه ارائه می‌کند.

با این مقدمه، باید گفت سوریه تنها کشور عربی غیر همسایه در منطقه خاورمیانه و در میان کشورهای عربی است که دارای روابط راهبردی با جمهوری اسلامی ایران و در خط مقاومت و مخالف جریان سازش است. تغییر نظام سیاسی حاکم در سوریه می‌تواند منجر به تحولات پیش‌بینی‌نشده‌ای در سطح منطقه و حتی فرامنطقه‌ای شود. به قدرت رسیدن گروه‌های مخالف رژیم بشار اسد که در حقیقت ضد خط مقاومت و مخالف جمهوری اسلامی ایران می‌باشند، باعث تقویت جایگاه منطقه‌ای رقبای و تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران خواهد شد. به دلیل آنکه نقش‌آفرینی قطر در بحران سوریه به صورت غیرمستقیم درصدد تضعیف نقش و جایگاه منطقه‌ای ایران و به صورت مستقیم درصدد تضعیف متحدان منطقه‌ای ایران یعنی سوریه و حزب‌الله لبنان است، پس شناخت و فهم ابعاد و آینده سیاسی این بحران دو بعد «منافع ملی» و «مصالح دینی» برای ما مهم و بااهمیت است. همچنین تحلیل دلایل اصلی گسست سیاسی قطر و عربستان سعودی و شناخت مهم‌ترین فرض‌ها و پیامدهای چنین شکاف مهمی برای جمهوری اسلامی ایران، ضروری به نظر می‌رسد.

## پیشینه تحقیق

طیف زیادی از مقالات، مجلات و کتاب‌ها در خصوص جنبه‌ها و ابعاد سیاست خارجی قطر نسبت به بحران سوریه منتشر شده است؛ که در ادامه به برجسته‌ترین آن‌ها که بیشترین قرابت را با موضوع پژوهش ما دارد، پرداخته می‌شود.

۱. محمدرضا بشارتی و شهاب لهراسبی نچکوهی (۱۳۹۵)، در مقاله «بررسی نقش قطر در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، که در شماره ۸۰ فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی به چاپ رسیده است؛ درصدد پاسخ به پرسش اصلی مقاله: «نقش آفرینی قطر در بحران سوریه چه تأثیراتی بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟» و همچنین پرسش فرعی مقاله: «نقش آفرینی قطر در بحران سوریه چه تأثیراتی بر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟» برآمده‌اند. نویسندگان در پاسخ به پرسش اصلی بیان می‌کنند به دلیل آنکه سوریه متحد استراتژیک ایران در خاورمیانه است، ناآرامی و بحران در این کشور به طور مستقیم امنیت ملی ایران را در ابعاد مختلف از جمله در بعد سیاسی به چالش می‌کشانند؛ بنابراین، حمایت‌ها و دخالت‌های قطر در بحران سوریه باعث تضعیف دولت مرکزی به عنوان تنها متحد استراتژیک ایران در منطقه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران می‌شود. همچنین نویسندگان در پاسخ به پرسش فرعی پژوهش معتقدند؛ روابط سیاسی ایران با سوریه سبب شده است تا ایران دارای نفوذ بالایی در منطقه باشد؛ بنابراین، جریان سازش به قطر نقش نیابتی دادند تا با حمایت از معارضان سوری نظام سوریه را به شکست بکشانند و از این طریق نفوذ منطقه‌ای ایران را مهار کنند.

۲. نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۹۱)، در مقاله خود تحت عنوان «اخوانی‌گرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱»، که در فصلنامه مطالعات راهبردی به چاپ رسانده است؛ تحلیلی اخوانی‌گرایانه از سیاست خارجی دولت قطر در قبال انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ ارائه می‌دهد. ابراهیمی در این نوشتار با اشاره به تحولات سوریه و مداخله آشکار قطر در جریان ناآرامی‌های این کشور، از جنگ رسانه‌ای علیه بشار اسد گرفته تا حمایت مستقیم مالی و تسلیحاتی از مخالفان، همگی را در راستای سیاست اخوانی‌گرایی قطر برمی‌شمارد. نویسنده در این راستا می‌افزاید؛ این سیمای کلی از سیاست اخوانی‌گرایی قطر، نیازمند تغییر الگوی رفتاری مشخص این امیرنشین بود. تغییر الگوی سیاست خارجی میانجی‌گری به الگوی مداخله مستقیم منطقه‌ای با محوریت تلاش برای تشکیل هلال اخوانی، جهت و سمت‌گیری جدید قطر را نشان می‌دهد.

۳. کریستین کوتس اولریسن (۲۰۱۴)، در کتاب «قطر و بهار عربی»، که در انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است؛ نشان می‌دهد که چگونه تلاقی عوامل مختلف در سال ۲۰۱۱ سیاست منطقه‌ای قطر را از یک نقش میانجی‌گر به یک نقش مداخله‌گر سوق داد. اولریسن بیان

می‌دارد؛ اگرچه دخالت قطر در لیبی با موفقیت همراه بود، اما تلاش بعدی این کشور برای ایجاد گردهمایی و اتحاد حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت مداخله در یکی از بدترین منازعات منطقه یعنی سوریه با شکست مواجه شد. وقتی این رویکرد قطر به سرانجام نرسید، سیاست قطر بیش‌ازپیش یکجانبه‌گراتر و غیرقابل‌پیش‌بینی شد و در فرایند محدودیت‌هایی قرار گرفت که کشورهای کوچک در سیاست بین‌الملل با آن روبه‌رو هستند.

۴. ماتيو كرى (۲۰۱۳)، در پژوهشی به نام «سیاست‌ها و چالش‌های توسعه در قطر»، به بررسی تغییر سیاست قطر در سال ۲۰۱۱ اشاره کرده است که طی آن رویکرد قاطع‌تر و مداخله‌جویانه‌تری را نسبت به بهار عربی در پیش گرفت و پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی را برای این امرنشین به بار آورد. كرى می‌افزاید؛ درحالی‌که عربستان سعودی، امارات و کویت حمایت‌های گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی از نیروهای طرفدار وضع موجود جهان عرب داشتند، اما قطر از وزن و قدرت خود برای حمایت از افراد مرتبط با اخوان‌المسلمین و خویشاوندان منطقه‌ای آن‌ها استفاده کرد؛ که این امر شکاف‌های عمیق بین کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس را به نمایش گذاشت. به‌ویژه در خصوص اینکه چطوری با مسئله اسلام‌گرایی، تحولات سوریه، حزب‌الله، ایران، یمن و مسئله فلسطین برخورد کنند، دچار شکاف عمیقی شدند. آن‌ها نسبت به شورش‌های منطقه مواضع و واکنش‌های سیاسی مختلفی داشتند و در سوریه نیز اختلافات آن‌ها در درون با چهارچوب گروه‌های اپوزیسیون غیرمتحد بروز کرد.

بداعت و تازگی پژوهش حاضر در این است که هیچ‌کدام از پژوهش‌های یادشده به‌طور جامع‌ومانع مسئله مورد بررسی ما در این پژوهش را پوشش نمی‌دهند؛ به عبارت بهتر، این پژوهش در ادامه بررسی رویکرد قطر در قبال بحران سوریه، به واکاوی ابعاد و زمینه‌های گسست سیاسی قطر و عربستان می‌پردازد و در پایان پیامدها و فرصت‌هایی که این شکاف می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل واقع شده است.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه از ۲۰۱۱ میلادی، قطر که همگام با عربستان سعودی به حمایت و پشتیبانی تسلیحاتی از مخالفان مسلح دولت سوریه می‌پرداخت؛ هم‌اکنون با درک این موضوع که این بحران در راستای سیاست‌ها و اهداف محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران در حال شکل‌گیری است، از این‌رو، قطر سیاست واگرایی را نسبت به معارضان سوری و عربستان در پیش گرفته و با هدف تقویت و توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دوحه - تهران، در مسیر هم‌افزایی مناسبات دو کشور در سطح منطقه گام برمی‌دارد؛ بنابراین، نظر به چنین شرایطی، توسعه روابط دو کشور قطر و ایران و همگرایی و همسویی دو کشور در تحولات منطقه از جمله بحران سوریه می‌تواند باعث شکوفایی اقتصادی و افزایش ضریب امنیت درازمدت دو کشور و همگرایی هرچه بیشتر در منطقه شود؛ بنابراین، به دلیل آنکه دولت‌ها از

دیپلماسی رسانه‌ای نیز به‌عنوان ابزاری مؤثر در شکل‌دهی و تأمین اهداف و منافع خود نسبت به وقایع و تحولات بهره‌مند می‌شوند؛ بنابراین، کاربرست نظریه دیپلماسی عمومی برای تبیین موضوع پژوهش حاضر می‌تواند کارآمد واقع شود.

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع هدف، کاربردی و روش آن از نوع کیفی است. در این تحقیق به توصیف، مطالعه و تحلیل آنچه هست، نیز پرداخته می‌شود؛ بنابراین، این تحقیق از لحاظ روش اجرا، از نوع «تحقیقات توصیفی-تحلیلی» است. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (اسناد، کتب، مقالات و مجلات و وبسایت‌ها) و جست‌وجو در شبکه اینترنت و پایگاه‌های اطلاعاتی، فصلنامه‌ها و مجلات تخصصی صورت می‌گیرد.

## مبانی نظری: دیپلماسی عمومی

اصطلاح دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy) نخستین بار در سال ۱۹۶۵ توسط ادmond گیلیون (Edmund Gillion) کارمند سابق وزارت خارجه آمریکا و رئیس وقت «مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر» (Fletcher School of Law and Diplomacy) در «دانشگاه تافتس» (Tufts University)، مورد استفاده قرار گرفت. در مراسمی که طی آن «مرکز دیپلماسی عمومی ادوارد مورو» (Edward R. Murrow Center for Public Diplomacy) افتتاح می‌شد. مورو، اسطوره سخن‌پراکنی در CBS NEWS، مدیریت سازمان مستقل دولت آمریکا در زمینه دیپلماسی عمومی، یعنی «سازمان اطلاع‌رسانی ایالات متحده»، را از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ بر عهده داشت. در آن زمان، دفترچه راهنمای مرکز مورو، دیپلماسی عمومی را «تلاش دولت‌ها برای پرورش افکار عمومی در کشورهای دیگر و نیز تعامل گروه‌ها و منافع خصوصی در یک کشور با گروه‌ها و منافع خصوصی کشور دیگر... و جریان اطلاعات و ایده‌ها در فراسوی مرزها تعریف کرد.» (نانسی، ۱۳۸۷: ۱۰۰) دیپلماسی عمومی به دنبال این است که وجوه ارتباطی و فنون اعتماد و کسب وجهه را برای بازیگران بین‌المللی افزایش دهد و با توجه به ارتباطی که با افکار عمومی در سطوح ملت‌ها و شهروندان پیدا می‌کند، اصلی‌ترین وظیفه‌اش واردکردن عنصر اخلاق، راستی و اعتماد به دیپلماسی است. (Izadi and Nelson, 2009: 349) منابع قدرت نرم در سطح بین‌المللی عبارت‌اند از اراده و تمایل برای مشارکت در راه‌حل‌های چندجانبه برای مشکلات بین‌المللی، احترام به قوانین، هنجارها، مقررات و نهادهای بین‌المللی، اتکای بنیادی بر همکاری و نیز اجتناب از حل مسائل بین‌المللی به صورت یک‌جانبه، احترام به پیمان‌های بین‌المللی و تعهدات مشترک است و در سطح داخلی، فرهنگ و زیرمجموعه‌های آن یعنی انسجام فرهنگی، کیفیت زندگی، فرصت، مدارا، سبک زندگی، اهمیت فرهنگی، نهادهای سیاسی از جمله کارکرد نهادها به‌گونه‌ای که مشروع و حقانی بوده و از عنصر مطلوبیت برخوردار باشند از جمله منابع

داخلی قدرت نرم هستند. (Gallarotto, 2012: 5) دیپلماسی عمومی فرایندی است که به وسیله آن ارتباطات مستقیم کشوری با مردم کشور دیگر برای پیش بردن منافع و ارزش‌های خود دنبال می‌شود. (Melissen, 2007: 41) این فرایند توسط دولت، مردم و نخبگان برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و عقاید نخبگان ملتی دیگر، برای تعیین یا تغییر سیاست آن کشور و برای کسب منافع و اهداف خود پیگیری می‌شود. دیپلماسی عمومی، راهبردی ارتباطی و هدفمند برای ساخت تصویری مثبت از کشوری نزد افکار عمومی خارجی از راه به کار گرفتن ابزارهای مختلف ارتباطی و رسانه‌ای میسر است. (Melissen, 2007: 18)

برای کاربست نظریه دیپلماسی عمومی در موضوع پژوهش حاضر، باید گفت؛ کشور قطر با اتکا به قابلیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و مالی خود به‌عنوان قدرتی نرم در دیپلماسی منطقه‌ای نقش پویایی را به نمایش گذاشته است. این کشور در چند سال اخیر در پی ایفای نقشی جدی و متمایز نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس برآمده و توانسته است نقش فعالی در سطح منطقه ایفا کند. قطر که در ابتدای بحران سوریه همگام با عربستان سعودی رویکرد سرنگونی نظام سوریه را دنبال می‌کرد، هم‌اینک با ارزیابی دقیق‌تر از شرایط و درک این موضوع که بحران سوریه برای اهداف و منافع محور مقاومت در حال پیشروی است؛ بنابراین، با تغییر در رویکرد قبلی خود در قبال این بحران، درصدد نزدیک شدن به مواضع محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران برآمده، که این موضوع ضمن ایجاد فرصت‌های سیاسی - اقتصادی برای ایران، باعث بروز تنش در روابط سیاسی قطر با عربستان شده است.

### اصول و مؤلفه‌های سیاست خارجی قطر

کشور کوچک قطر شبه‌جزیره‌ای است که در بخش جنوبی خلیج فارس واقع شده است. شبه‌جزیره قطر از یک سو با قرار گرفتن در قلب منطقه خلیج فارس و دسترسی آسان آن به دو طرف این منطقه، همچنین همسایگی با عربستان، نزدیکی به ایران و برخورداری از ذخایر درخور توجه گاز، از نظر سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت است. (جالینوسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۶) به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته در درک سیاست خارجی قطر و تشریح مبانی و اصول اولیه آن دقت در طبقه‌بندی این کشور به‌عنوان کشوری کوچک یا ذره‌ای در عرصه بین‌المللی و ویژگی‌های خاص این‌گونه دولت‌هاست، زیرا کشورهایی کوچک مانند قطر ویژگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خاص خود را دارند که باعث بروز رفتارهایی خاص از آن‌ها در عرصه سیاست خارجی، به‌ویژه اتخاذ راهبردهایی برای تضمین بقا و امنیتشان می‌شود. در این راستا، سیاست خارجی قطر نوعی واکنش به محدودیت‌های آن در عرصه قدرت و تلاش برای فائق آمدن بر این مشکلات و محدودیت‌هاست. به‌علاوه این‌گونه کشورها سعی می‌کنند از نقاط قوت و پتانسیل‌های خود به صورتی مناسب و مفید استفاده کنند. (مددی، ۱۳۹۲: ۹۳) قطر تنها کشور در خاورمیانه است که در سیاست خارجی خود هیچ‌گونه خط قرمز، آرمان یا تابویی ندارد و می‌کوشد با گسترش شبکه

روابط و تقویت پیوندهای خود با بازیگران مختلف، بقا و امنیت خود را تقویت کند، هرچند بسیاری از ابعاد روابط و اقدامات سیاست خارجی این کشور متناقض و متضاد تلقی می‌شود. (رنجبر حیدری و دیگران، ۲۱۷:۱۳۹۴) تصمیم‌گیرندگان دوحه می‌خواهند قطر از یک کشور کوچک در حاشیه جنوبی خلیج فارس به یک کشور بزرگ مطرح در مهم‌ترین و کانونی‌ترین جغرافیای جهان تبدیل شود. از همین رو، واقعیت‌های کنونی منطقه سبب شده است که قطر تحت تأثیر این شرایط با سیاست امنیتی ایالات متحده آمریکا در منطقه همراه شود و این حس را به رهبران سیاسی خود ایفا کند که مرتبه منطقه‌ای آنان افزایش یافته است و این تداوم فزونی مرتبه نیازمند همراهی بیشتر با غرب در کنار روابط مسالمت‌آمیز و رقابت با کشورهای قدرتمند منطقه است. (جالینوسی و دیگران، ۲۹:۱۳۹۴)

به نظر می‌رسد که نزدیکی نظامی قطر با آمریکا و جای دادن پایگاه نظامی آمریکا در خاک خود به دلیل ترس آن از نقشه‌های عربستان سعودی است، زیرا قطری‌ها با جای دادن بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در خاک خود، دست بعضی از کشورها مانند سعودی‌ها را که در تلاش برای کنترل کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس هستند را کوتاه کردند و از این طریق از کشور دفاع می‌کنند. (Hroub, 2012: 34)

ابتکارات دیپلماتیکی قطر و مواضع مستقل در سیاست خارجی بیانگر نوع متفاوتی از قدرت نرم است. قطر میزبان کنفرانس‌ها و در برخی موارد موافقت‌نامه‌هایی در خصوص مسئله فلسطین، سودان، یمن و لبنان است. روابط خوب قطر با بسیاری از جریان‌های مختلف سیاسی که از منابع مالی فراوانی پشتیبانی می‌شوند، اساس قدرت نرم قطر را تشکیل می‌دهند. روابط خارجی قطر باعث شده تا این کشور به میانجی و کانالی برای ارتباط میان دول و جریان‌های متخاصم تبدیل شود. قطر روابط خوبی با اردوگاه‌ها و کمپ‌های سیاسی خصم در خاورمیانه دارد. این رژیم سعی کرده برای برندسازی و تصویرسازی منطقه‌ای و بین‌المللی از خود با همه طرف‌های درگیر در خاورمیانه از جمله ایران، حماس، حزب الله، سوریه، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی روابط خاصی داشته باشد. روابط خارجی مختلف قطر این کشور را به میزبان دو نهاد یا سازمان قدرتمندی که بهره‌مند از انواع گسترده قدرت می‌باشند تبدیل ساخته است. این دو نهاد عبارت‌اند از الجزیره و فرماندهی عملیات مرکزی آمریکا. منابع مالی قطر حامی ابتکارات دیپلماتیک این کشور است. اگرچه این کشور دارای جمعیت یا مساحت زیادی نیست، اما قطر دارای سومین ذخایر گاز طبیعی جهان بوده و شهروندان این کشور از یکی از بالاترین درآمدهای سرانه در جهان برخوردارند.

علاوه بر این، از ذخایر عظیم نفتی نیز بهره‌مند است. ابتکارات دیپلماتیک قطر شامل تلاش‌های میانجی‌گرانه در فلسطین، سودان، لبنان و یمن است. یکی از دستاوردهای بارزش دیپلماتیکی قطر، نقش این کشور در به نتیجه رساندن موافقت‌نامه سیاسی در لبنان در سال ۲۰۰۸ بود که

ستایش دیگران را برانگیخت. قطر نخستین کشور خاورمیانه است که میزبان یکی از مهم‌ترین رویدادهای ورزشی جهانی در سال ۲۰۲۲ است. (Rubin, 2010: 15) به دلیل آنکه قطر ثروتمندترین کشور جهان است در نتیجه برای تأمین هزینه رویدادهای ورزشی مشکلی ندارد. این امیرنشین کوچک به محلی برای تماشای وقایع ورزشی تبدیل شده و میزبان بسیاری از مسابقات ورزشی با اعتبار نظیر فوتبال، فرمول یک، تنیس، گلف، راگبی، ورزش‌های پهلوانی و غیره بوده است. علاوه بر این، قطری‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در ورزش اروپا انجام دادند. از جمله صرف ۶۰ میلیون دلار برای پیراهن تیم بارسلونا. قطر در چند سال اخیر مبلغی حدود ۲۲۵ میلیارد دلار صرف پروژه‌های زیربنایی کرده است که بخشی از آن صرف هزینه‌های جام جهانی می‌شود. از جمله ۳ میلیارد دلار برای آماده‌سازی زمین مسابقات و ۱۷ میلیارد دلار برای ساخت هتل‌ها در نظر گرفته شده است. (Kessous, 2011: 42) بنابراین، استفاده از دیپلماسی ورزش، کانالی دیگر برای ورود کشور قطر به عرصه سیاست خارجی را مهیا کرده است.

رشد و توانمندی اقتصادی قطر از جمله مؤلفه‌هایی است که مقامات قطری از آن به‌عنوان عامل مثبت در سیاست خارجی استفاده می‌کنند. در عرصه اقتصادی، قطر به‌طور سنتی اقتصادی مبتنی بر صدور مروارید داشته است، اما با پیدایش نفت و گاز، اکنون اقتصاد این کشور بر مبنای صدور گاز به‌ویژه در قالب LNG استوار است. (اسدی، ۱۳۹۰، ب: ۱۲-۱۱۱) در این راستا کسب عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده LNG جهان سبب شده تا قطر در کمتر از دو دهه به یکی از کنشگران کلیدی منطقه‌ای در روابط بین‌المللی خاورمیانه تبدیل شود. (Khatib, 2013: 417) بدین لحاظ این کشور از عنصر دیپلماسی انرژی به‌خوبی استفاده کرده است. از همان ابتدا، سیاست‌گذاران انرژی این کشور راهبرد تبدیل‌شدن به یک عربستان گاز طبیعی را برای این کشور طراحی کردند. بدین ترتیب قطر از سال‌های دهه ۱۹۸۰ تلاش کرده تا خود را به‌عنوان «عربستان دیگری در گاز طبیعی مایع» مطرح کند و بهره‌برداری حداکثری از ذخایر گاز طبیعی نیز در این راستا ارزیابی می‌شود. (Dargin, 2007: 136)

دلیل اصلی آرامش و پایداری نظام سیاسی قطر، رفاه بی‌سابقه و جمعیت اندک این کشور است. این رفاه برای تدوین و فرمول‌بندی سیاست خارجی و داخلی، انعطاف‌پذیری زیادی به رژیم قطر بخشیده است. سیاست دلجویی و آرام‌جویی توده‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس تفاوتی با یکدیگر ندارد، اما تفاوت اصلی کشورهایی مانند بحرین، عمان و عربستان سعودی این است که رشد جمعیتی سریع در این کشورها، فشارهای زیادی را بر مدل‌ها و شیوه‌های توزیع رفاه وارد آورده است. به‌علاوه، قطر به علت شهرت فزاینده‌اش به‌عنوان یک میانجی قابل‌اعتماد در نواحی در حال منازعه، اعتبار بین‌المللی خوبی به دست آورده و به مرکز توجه جهان بدل شده است. این کشور، میزبانی جام جهانی فوتبال را در دسامبر ۲۰۱۰ به دست آورد. با وجود چالش‌های



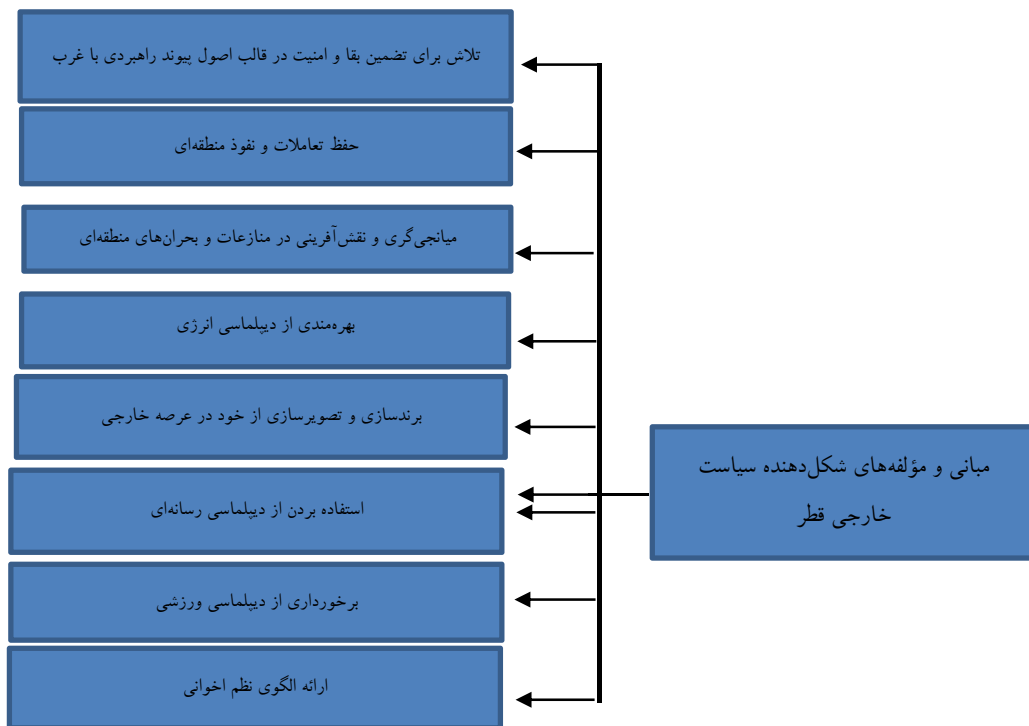
پیش روی شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، دولت قطر به موقعیت خود به عنوان یک کشور عربی درامان مانده از این تحولات می‌بالد. (Aarts and others, 2012:100-101) رسانه منطقه‌ای تحت حمایت دولت قطر یعنی الجزیره، نقشی محوری در شکل دادن به فرهنگ انقلابی توده‌ای از طریق پوشش‌های خبری تلویزیونی خیزش‌های مردمی و درگیری‌های توده‌ای در سرتاسر منطقه داشت. این رسانه در حال حاضر از رسانه‌های تأثیرگذار و محوری عربی است که به ابزاری مهم برای اهداف سیاست خارجی و تلاش‌های دیپلماتیک قطر تبدیل شده است. هرچند قطری‌ها سعی دارند برای افزایش اعتبار الجزیره آن را به عنوان رسانه‌ای مستقل مطرح سازند، واقعیت موجود حاکی از فعالیت این شبکه در چهارچوب سیاست‌ها و اهداف سیاست خارجی قطر است و رویکرد الجزیره در خصوص تحولات عربی این موضوع را به خوبی نمایان می‌سازد. (اسدی، ۱۳۹۰ الف: ۹۸-۹۷) الجزیره اینک دارای ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون مخاطب است؛ بنابراین، یک ابزار برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقناع افکار عمومی است. (Anzawa, 2011: 18)

در معادلات منطقه‌ای نیز قطر بر اساس رویکرد «میانجی‌گری» به دنبال بازتعریف نقش خود بوده و بر این مبنا توانسته است جایگاهی مناسب کسب کند. اساساً کشورهای همواره سعی در میانجیگری میان کشورهای متخاصم یا درگیری‌های داخلی یک کشور دارند، از این منظر که از موضعی فعال به قضیه ورود پیدا می‌کنند، می‌توانند در میان مدت وجهه مناسبی به دست آورند. نقش آفرینی قطر در طول یک دهه اخیر، بسیار فراتر از موقعیت و اندازه کوچک آن بوده و به همین دلیل هم کمتر به نتیجه رسیده است. (مددی، ۱۳۹۲: ۹۵) اقدامات میانجی‌گرانه قطر اغلب با حمایت قدرت‌های جهانی یعنی ایالات متحده، روسیه، فرانسه و بریتانیا شکل گرفته است. تلاش‌های فراوان قطر در زمینه برقراری صلح هم در منطقه و هم با در نظر گرفتن کوچکی کشور، در جهان منحصر به فرد است. (Kamrava, 2011:540) دوحه علاوه بر وساطت، سیاست درهای باز به روی بازیگران سیاسی مختلف و اغلب مخالف در منطقه را در پیش گرفته است. به طور مثال، دفتر تجاری اسرائیل در این کشور قرار دارد و هم‌زمان پایگاهی برای رهبری حماس در خاک خود را مهیا کرده است. (Khatib, 2013: 420)

در حالی که عربستان سعودی به عنوان پرچم‌دار مقابله با گسترش نفوذ ایران در منطقه خواهان قطع همکاری کشورهای شورای همکاری با ایران بوده و در پی ایجاد ائتلاف ضد ایرانی در کشورهای اسلامی است که آخرین نمونه از این تلاش را در اجلاس اخیر ریاض با حضور دونالد ترامپ به نمایش گذاشت، اما قطر به عنوان کشوری که در پی ارتقای جایگاه خود و مطرح شدن به عنوان کشوری مستقل و صاحب نفوذ در سطح بین‌المللی است، با روی کار آمدن شیخ تیمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی رویکرد متفاوتی نسبت به ایران را در پیش گرفته است تا از این طریق هم منافع خود در همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با ایران را به دست آورد و هم از این طریق ریاض را تحت فشار قرار دهد. (آرمند، ۱۳۹۶: ۲) سیاست ریاض جلوگیری از قد علم کردن قطر از جنبه

اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه است که می‌تواند برای جاه‌طلبی‌های سعودی‌ها در رهبری جهان اسلام مانع‌تراشی کند. از این‌رو نزدیکی به ایران گزینه مناسبی برای دوحه است تا در مقابل تهدیدات عربستان و متحدان دیگر آن در شورای همکاری خلیج فارس عکس‌العمل نشان دهد. (آرمند، ۱۳۹۶: ۳)

درواقع سیاست خارجی و منطقه‌ای قطر در یک سال گذشته ادامه سیاست‌هایی است که این کشور در یک دهه اخیر و به‌ویژه پس از روند بیداری اسلامی در پیش گرفته است. خلاف دهه‌های گذشته که قطر بیشتر نقش یک میانجی را در بین کشورهای همسایه و مسلمان ایفا می‌کرد، در سال‌های اخیر این کشور کوشیده است تا فعالانه به بحران‌های منطقه‌ای وارد شده و نقش برجسته‌تری در جهت‌دهی به آن‌ها ایفا کند. ریشه چنین تغییر رویکردی نیز به سیاست‌های حاکمان این کشور یعنی «حمد بن خلیفه آل ثانی» و پسرش «تمیم آل ثانی» بازمی‌گردد که کوشیدند با ترکیب فاکتورهای قدرت سخت و نرم در منطقه، به قطر قدرتی ببخشند که مایه نگرانی کشورهای عرب رقیب شد. (مظاهری، ۱۳۹۶: ۳) از این‌رو قطر با هدف ارائه الگوی نظم‌جانشین در منطقه با اندیشه اخوانی‌گری در صدد مداخله و نقش‌آفرینی در تحولات منطقه برآمده و با تکیه بر قدرت نرم خود در راستای تأمین اهداف و منافع منطقه‌ای خود گام برمی‌دارد.



(منبع: نگارندگان)

## سیاست‌ها و اقدامات قطر در قبال بحران سوریه

از آغاز سال ۲۰۱۱، منطقه غرب آسیا شاهد تحولات اساسی و بحران‌های متعددی بوده است. به دنبال آغاز خیزش‌های مردمی و تحولات در تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین و غیره به تدریج اعتراض‌هایی نیز از فوریه همان سال در برخی شهرهای سوریه شکل گرفت. این اعتراض‌ها در نیمه دوم مارس ۲۰۱۱ در نهایت منجر به درگیری‌های خشونت‌آمیزی میان ارتش سوریه و مخالفان نظام شد که زمینه‌های ناامنی، بی‌ثباتی و گسترش بحران را در این کشور فراهم ساخت. تضاد منافع، نوع برداشت‌ها و دیدگاه‌های مختلف میان بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار در سوریه، بحران این کشور را به بحرانی عمیق و پیچیده تبدیل کرده است. (نجات، ۱۳۹۶: ۷۹) سیاست‌ها و مواضع قطر در قبال خیزش‌های مردمی و بحران سوریه ترکیبی از مواضع و تاکتیک‌های مختلف است. در ادامه به مهم‌ترین الگوهای رفتاری قطر در قبال سوریه اشاره می‌کنیم.

### الف- قطر و سیاست مداخله‌گرایی (همبستگی با معارضان سوری و عربستان)

در طی چند ماه اول بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی رفتار مشخصی از قطر دیده نشد. به این دلیل که دوحه و دمشق روابط خوبی با هم داشتند. قطر نقش مثبتی را در پایان دادن به انزوای سوریه در جامعه عرب در پی حادثه ترور نخست‌وزیر لبنان، رفیق حریری، داشت و در لبنان و سوریه سرمایه‌گذاری اقتصادی کرد. برای قطر ارتباط با سوریه دارای اولویت بود، زیرا یک متحد مناسب جهت همراهی و کنترل ایران بود. (Steinberg, 2012: 6) با آغاز امواج ناآرامی‌ها در سوریه، قطر جزء نخستین حامیان این ناآرامی‌ها بود و نیز اولین کشوری بود که سفیر خود را به‌عنوان اعتراض از سوریه فراخواند و سفارت سوریه را به اپوزیسیون این کشور تحویل داد و آن‌ها را به رسمیت شناخت (Katari, 2013: 11). همچنین، این کشور از مهم‌ترین کشورهای بود که مباحث مربوط به تحریم‌های سوریه را به میان کشید و بعد از آن هم به حامی اصلی مداخله نظامی در این کشور بدل شد. (Stuster, 2017: 4) قطر در تحولات سوریه نیز در کنار عربستان سعودی از اصلی‌ترین نیروهای پیش‌برنده رویکرد تغییر رژیم بشار اسد به شمار می‌آید و به‌خصوص در نقش ریاست اتحادیه عرب و رهبری دولت‌های عربی درصدد اعمال فشار بر دولت اسد و بسترسازی برای مداخله خارجی در این کشور است. این تلاش‌ها در راستای اهداف راهبردی غرب مبنی بر حذف سوریه از محور مقاومت و کاهش نقش‌آفرینی بازیگرانی است که می‌توانند برای ایران بازدارندگی ایجاد کنند. (اسدی، ۱۳۹۰ الف: ۱۱۰) به دلیل آنکه آمریکا و قطر دارای ارتباطات سیاسی و نظامی گسترده می‌باشند و با توجه به ظرفیت ناچیز قطر در معادلات منطقه‌ای و جاه‌طلبی‌های سردمداران این کشور برای ایفای نقش پررنگ‌تر از ظرفیت سرزمینی خود، چاره‌ای جز تأمین نظر آمریکا در معادلات منطقه‌ای را ندارد و بر همین اساس تمام سعی خود را در حمایت از مخالفان دولت سوریه گذاشته تا با ساقط کردن دولت مرکزی سوریه و حاکم شدن

گروه‌های همسو، این محور مواصلاتی و کمر بند مقاومت را قطع کند. با قطع شدن این محور مواصلاتی، سر مقاومت که حزب‌الله لبنان است بدون پشتیبانی تسلیحاتی و لجستیکی برای مدت‌زمان طولانی یاری مقاومت در مقابل تهاجم رژیم صهیونیستی را نخواهد داشت و در نهایت از پای در خواهد آمد و به این ترتیب امنیت رژیم صهیونیستی که از جمله مهم‌ترین اهداف امریکا از حضور نظامی در منطقه خاورمیانه است، تأمین می‌شود. (بشارتی و لهراسبی نچکوهی، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۳)

در حال حاضر شورای همکاری خلیج فارس به خصوص دو عضو آن یعنی قطر و عربستان به دنبال اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی علیه سوریه بوده و به دنبال فروپاشی داخلی جامعه سوریه هستند. شورای همکاری خلیج فارس همچنین تاکنون به دنبال فشار بر اتحادیه عرب بوده تا یک منطقه پرواز ممنوع را به عنوان یک اقدام متقابل در برابر رأی چین و روسیه ایجاد کند. آمریکا، بریتانیا، فرانسه و ترکیه همچنین در این زمینه این اتحادیه را یاری کرده‌اند. رسانه‌های همسو با مخالفان اسد همچون بی‌بی‌سی و الجزیره در کشورهای عضو ناتو و حکومت‌های سلطنتی عرب بیشتر بر چاپ و انتشار و پخش آن اطلاعاتی متمرکز شدند که به تضعیف رژیم اسد منجر شده و از تغییر رژیم اسد از طریق گزارش‌های باطل، غیرحرفه‌ای و فتنه‌انگیزانه و تفرقه‌انگیز حمایت کرده‌اند. این رسانه‌ها در کشورهای عضو ناتو و شورای همکاری خلیج فارس دائماً با کلمات بازی می‌کنند و منابع خبری خود را گروه‌های تحت حمایت خارجی‌ها و دیده‌بان حقوق بشر سوریه که توسط بریتانیا تأسیس شده است اعلام کرده‌اند. دیده‌بان حقوق بشر سوری که توسط انگلیس تأسیس شده است از عربستان حمایت می‌کند، ولی در عین حال مدعی است که از آرمان‌های دموکراتیک دفاع می‌کند. اعتراضاتی برای ایجاد اصلاحات و دموکراتیزاسیون در سوریه رخ داد، اما این اعتراضات در مقیاسی که ناتو و شورای همکاری خلیج فارس ترسیم می‌کنند، نبودند. برخورد دولت سوریه با کسانی بود که می‌خواهند از این اعتراضات سوءاستفاده کنند. اخوان المسلمین سوریه نیز در این بین فریب شورای همکاری خلیج فارس و ناتو را خورد و تلاش کرد تا علیه جامعه سوریه و دولت سوریه دست به اقدامات نظامی بزند و شعله خشونت را برای سرنگونی اسد برانگیخت. (Nazemroaya, 2011, 1-4) دو کشور عربستان سعودی و قطر و دیگر همراهانشان نیز برای موفقیت در رسیدن به اهداف خود در سوریه، از مثلث بحران که یول، تبلیغات رسانه‌ای و ابزار نظامی سه ضلع آن است، استفاده کردند. (Philips, 2017:36)

به دلیل آنکه عربستان سعودی فاقد قدرت نظامی و امنیتی لازم برای مداخله مستقیم در سوریه است، از ثروت و درآمدهای نفتی خود برای مسلح کردن معارضان مسلح سوری استفاده می‌کند. عربستان سعودی ضمن تلاش برای تغییر رژیم در سوریه سعی دارد از این موضوع اطمینان یابد که پس از سقوط دولت حاکم سوریه حکومتی دوست در این کشور شکل خواهد گرفت. (اسدی، ۱۵۸: ۱۳۹۱) بر همین اساس برای اولین بار در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ اولین محموله سلاح

عربستان سعودی در مرز ترکیه با سوریه به دست مخالفان سوری رسید. (Phillips, 2015:4) حمایت‌های مالی و تسلیحاتی که ریاض از مخالفان در سوریه می‌کند، همگی تلاشی است برای تقویت و روی کار آوردن سنی‌هایی که در خلأ قدرت موجود در سوریه همراهی خود را با عربستان سعودی نشان داده‌اند. (Kamel, 2011:1) به‌گونه‌ای که با حاکم کردن عناصر و گروه‌های نزدیک به خود بر دمشق، ضمن تأمین اهداف و منافع منطقه‌ای خود، حلقه‌های محور مقاومت را در منطقه با فروپاشی روبه‌رو سازد و در نهایت نقش و بازیگری جمهوری اسلامی ایران را در شکل‌گیری معادلات قدرت در سطح منطقه کاهش دهد. لازم به ذکر است که قطر نخستین بار در عرف بین‌المللی مطرح کرد که از مخالفان سوریه حمایت و آن‌ها را تسلیح می‌کند و طبق حقوق بین‌المللی تسلیح مخالفان جرم بین‌المللی محسوب می‌شود. (عالیشاه، ۱۳۹۵:۹) علاوه بر حمایت گسترده مالی و اطلاعاتی آن از معارضان، قطر نقش مهمی در تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب نیز داشت. البته در حوادث اخیر منطقه، قطر در لیبی و چند نقطه دیگر هم نقش فعالی را بر عهده گرفته است. (میرزاده، ۱۳۹۰:۳)

الجزیره تحولات سوریه را به صورتی گسترده انعکاس می‌دهد و حتی به بزرگ‌نمایی اعتراضات و خشونت‌های داخلی این کشور می‌پردازد. فعالیت‌های رسانه‌ای الجزیره در قبال تحولات سوریه در راستای سیاست قطر مبنی بر تشدید بحران در سوریه و کمک به تغییر رژیم در این کشور است که مکمل تلاش‌های سیاسی دوحه برای مقابله با دولت بشار اسد در سطح جهان عرب محسوب می‌شود. (نیک‌محمدی، ۱۳۹۰:۱۶۳) حمایت سریع قطر از ارتش آزاد سوریه و شورای ملی سوریه، خود گویای این نکته است که قطر سیاست مداخله مستقیم منطقه‌ای را به‌عنوان الگویی جدید در منطقه پایه‌گذاری کرده است. در واقع، سیاست خارجی قطر در قبال سوریه، تلاش برای تکمیل هلال اخوانی از تونس و بنغازی به قاهره و از آنجا به دمشق است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱:۱۴۱) که این خود می‌تواند هویت جدید قطر را که در پرتو آن به منافع و اهداف خود دست می‌یابد، تداعی کند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی مداخله‌گرایانه قطر در کشورهای عربی، حمایت از گروه‌های تروریستی به‌خصوص در سوریه و عراق است. قطر از حامیان اصلی گروه‌های تروریستی است که این حمایت را در قالب کمک‌های مالی و تسلیحاتی انجام می‌دهد. موضوع مهم این است که حمایت مالی قطر از گروه‌های تروریستی به حدی زیاد و البته مبتدیانه انجام شد که برخی از تحلیلگران از آن به سیاست مزایده‌ای یاد کرده‌اند، زیرا قطری‌ها بدون اینکه اطلاعات دقیقی از یک گروه مشخص داشته باشند به آن گروه مطابق با آماري که اعلام می‌کنند برای فعالیت علیه نظام سوریه پول می‌دهند. (کاظمی، ۱۳۹۵:۳) قطر در سال ۲۰۱۲ بیش از ۳ میلیون دلار به شورشیان سوریه کمک کرد. شورشیان در استان حلب سوریه ماهیانه ۱۵۰ دلار از قطر کمک دریافت کرده‌اند. (Khalaf & Fielding Smith, 2013: 11) دولت قطر همچنین در

اکتبر ۲۰۱۶ از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست برای حمایت از غیرنظامیان در حلب و سایر شهرهای سوریه به سرعت وارد عمل شود. علیاء احمد بن سیف آل ثانی، نماینده دائم دولت قطر در سازمان ملل متحد، در نشست شورای امنیت گفت اوضاع کنونی سوریه تهدیدی بزرگ برای جوامع بین‌المللی به شمار می‌آید و در سایه شکست‌های متوالی برای راه‌حلی نهایی و سریع برای بحران سوریه و ادامه نقض قوانین بین‌المللی از سوی نظام سوریه، اوضاع در غرب آسیا از آنچه امروز وجود دارد بدتر می‌شود. وی مدعی شد: نظام سوریه ناقض آتش‌بس و مصوبات شورای امنیت است و آن را به استفاده از سلاح و ارتکاب جنایت علیه مردمش متهم کرد. (نجات، ۱۳۹۶: ۱۹۲)

تحرکات قطر در قبال بحران سوریه که با ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی همراه بوده است، با هدف کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و حاکم کردن عناصر افراطی متحد خود در سوریه است تا به این ترتیب با کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران، قلمروی نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش دهد، زیرا موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه به دلیل هم‌جواری با دریای مدیترانه به گونه‌ای است که می‌تواند پل ارتباطی برای صادرات گاز کشور قطر به اروپا باشد. (بشارتی و لهراسی نچکوهی، ۱۳۹۵: ۸۶) خط لوله گاز طبیعی که پیشنهاد احداث آن ابتدا در سال ۲۰۰۹ توسط قطر مطرح شد، از منطقه حلب در سوریه و ترکیه عبور می‌کرد تا به اروپا برسد. در سال ۲۰۱۱ اسد با قرارداد یک بسته پیشنهادی با عراق و ایران برای احداث «خط لوله اسلامی» به سمت شرق تا بازار اروپا، این پیشنهاد را تعدیل کرد. (ذراتی، ۱۳۹۴: ۴) به نظر می‌رسد که این منافع متضاد نفتی قطر و آل سعود است که سیاست عمده‌تاً نفتی آمریکا را در سوریه هدایت می‌کند و آن‌ها به دنبال منافع نفتی خود در سوریه و منطقه هستند. نگرانی و دغدغه اصلی آمریکا و هم‌پیمانانش در سوریه، مسئله استقرار یک اپوزیسیون مطیع و انعطاف‌پذیر است؛ افرادی که با اطمینان برای آمریکا و متحدان نفتی‌اش به خصوص در زمینه خط لوله نفتی و تأمین امنیت اسرائیل در سوریه پس از اسد ایفای نقش کنند. نکته مهم‌تر اینکه سوریه کنترل یکی از شاهراه‌های مهم نفتی خاورمیانه را در اختیار دارد. (التیامی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۵-۶۲) بنابراین، قطری‌ها در اتحاد با غرب در تلاش‌اند تا اسد سرنگون شود و دولت دست‌نشانده خود را در آنجا بنشانند، دولتی که معامله خط لوله را عملیاتی کند.

نقشه ۱: خط بنفش (خط لوله قطر - ترکیه)؛ خط قرمز (خط لوله اسلامی)؛ خط آبی (خط لوله نابوکو)



(ذراتی، ۱۳۹۴: ۴)

### ب- سیاست واگرایی نسبت به معارضان سوری و عربستان

به دنبال ناکامی قطری در سوریه شیخ تمیم از آغاز به دست گرفتن قدرت تعدیل سیاست‌های ضدسوری قطر را آغاز کرد. این امر البته با فشارهای خارجی به‌ویژه فشار عربستان مواجه شده است. از طرفی، بشار اسد که از حمایت دو متحد قدرتمند یعنی ایران و روسیه برخوردار است نیز توانسته است بسیاری از مناطقی را که پیش از این در سوریه در کنترل شورشیان بود، پس بگیرد و به این ترتیب از نفوذ کشورهایمانند ترکیه، قطر و عربستان سعودی در سوریه به‌طور قابل توجهی بکاهد. از یک سو اختلافات میان دوحه و ریاض و از سوی دیگر نزدیکی دو کشور ایران و قطر، در کنار مداخله نظامی روسیه در پشتیبانی از بشار اسد نیز عرصه را برای شورشیان و گروه‌های مخالف مسلح در سوریه بسیار تنگ کرده است (یورونیوز، ۲۰۱۳۹۶: ۲) و همه معادلات و محاسبات را به سود ایران و محور مقاومت در منطقه رقم زده است و در مقابل اهداف و منافع عربستان و متحدان منطقه‌ای آن را با چالش مواجه کرده است.

در این میان می‌توان گفت به دلیل حمایت مالی قطر از گروه‌های مسلح در سوریه احتمالاً پس از قطع روابط عربستان سعودی با قطر شاهد درگیری بین گروه‌های تحت حمایت عربستان و قطر خواهیم بود. البته دور از ذهن است که قطر به سرعت، هم‌پیمان سوریه و بشار اسد شود، اما توجه به این نکته که ترکیه یکی از هم‌پیمانان قطر محسوب می‌شود، احتمالاً قطر را در مناقشه سوریه از عربستان دور خواهد کرد. با دور شدن قطر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان مالی گروه‌های مسلح، طبیعتاً قدرت تأثیرگذاری و نفوذ عربستان و در پی آن گروه‌های تروریستی در مقابل نیروهای حامی اسد کاهش خواهد یافت. با ادامه روند فعلی احتمال پیوستن قطر به ائتلاف ایران، ترکیه و روسیه دور از ذهن نخواهد بود. (حسن‌وند، ۲۰۱۳۹۶: ۲) از این رو، قطر با عدول

۱. خط لوله‌ای است که قرار است گاز طبیعی را از منابع دریای خزر به اروپا از طریق آذربایجان، گرجستان، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش منتقل کند.

از مواضع قبلی خود در قبال بحران سوریه، هم‌اکنون در صدد ارائه راهکارهای دیپلماتیکی برآمده، که این خود می‌تواند تحولات سیاسی سوریه را برای اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای آن پیش ببرد و موازنه قوای منطقه‌ای را به ضرر عربستان سعودی و هم‌پیمانان آن در منطقه شکل دهد.

در پی بروز انقلاب‌های مردمی در منطقه عربی و بروز جنگ داخلی در سوریه، دولت‌های حاشیه خلیج فارس از یک طرف برای جلوگیری از سرایت انقلاب‌های مردمی و تضمین موجودیت خود و از طرف دیگر برای افزایش نقش مؤثر منطقه‌ای، رقابت پنهانی را نسبت به دیگر واحدهای سیاسی برای برجسته کردن خود و حذف تدریجی قدرت‌های سنتی منطقه آغاز کردند. این رقابت به‌ویژه نزد ترکیه و عربستان و قطر و امارات برجسته‌تر از دیگر بازیگران منطقه‌ای است. اقدامات قطر برای راه‌اندازی شبکه الجزیره، میزبانی کنفرانس اقتصادی آسیایی-آفریقایی در دوحه در ۱۹۹۷ و تلاش فراوان برای گرفتن میزبانی جام جهانی سال ۲۰۲۲ به این رویکرد بازمی‌گردد. اقدامات قطر در این راستا، طی سال‌های اخیر نگرانی پادشاهی سعودی را به دنبال داشته و در چندین دوره روابط دوجانبه را بحرانی کرده است. (Khatib, 2014:27) مواضع متناقض عربستان و قطر به همراه ترکیه در خصوص مشارکت مخالفان مسلح سوریه در مذاکرات (ژانویه ۲۰۱۷) آستانه قزاقستان پیرامون بحران این کشور حاکی از شکاف‌های عمده و اختلافات عمیق میان دو طرف است. برخی تحلیلگران مسائل سیاسی از نقش ترکیه در تنش در روابط عربستان و قطر خبر می‌دهند. این گمانه‌زنی به‌ویژه هنگامی تقویت می‌شود که می‌بینیم ترکیه در کنار روابط سیاسی، توسعه مناسبات نظامی و اقتصادی با قطر را در اولویت قرار داده است. سطح بالای تردد دیپلماتیک بین آنکارا و دوحه و به‌ویژه اظهارات اخیر سفیر ترکیه در قطر مبنی بر تهدیدات مشترک و ضرورت باز تشکیل ائتلاف جدید بین ترکیه و قطر در کنار تأسیس پایگاه‌های مشترک نظامی چندمنظوره در دو کشور، با هدف تخاصم متقابل با ریاض مطرح شده است. (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۶:۵) در نهایت اینکه شکست‌های اخیر گروه تروریستی داعش در دو کشور عراق و سوریه، با تأکید بر نقش راهبردی جمهوری اسلامی ایران، بیانگر شکست سیاست‌ها و اهداف حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها از یک طرف و برجسته‌تر شدن قدرت و توان جبهه مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه از طرف دیگر است. هماهنگی میان محور مقاومت و ائتلاف سه‌گانه ایران، روسیه و ترکیه در مدیریت پساداعش در سوریه و حتی عراق در این راستا قابل ارزیابی است.

### علل و عوامل پیدایش بحران در روابط قطر و عربستان

در این بخش سعی بر آن است، به‌اختصار، برخی از مهم‌ترین اختلافات سیاسی و ریشه‌ای عربستان و قطر مورد بحث و بررسی واقع شود.



## ۱- مناقشات سرزمینی میان عربستان و قطر

اختلافات ارضی میان عربستان سعودی و قطر پیشینه تاریخی دارد که به طور متناوب موجب بروز تنش میان دو کشور می‌شود و بارزترین نمونه آن به اوت سال ۱۹۹۲ بازمی‌گردد که درگیری مسلحانه بین دو کشور را به دنبال داشت و در نتیجه آن یک نظامی سعودی و دو نظامی قطری کشته شدند. عربستان مدعی مالکیت ۲۳ مایل از سواحل جنوب شرقی قطر است و دو کشور در مورد مالکیت خلیج «سلوا» واقع در مرزهای جنوب غربی قطر دچار اختلاف هستند. (سیف، ۱۳۹۶: ۵) یکی دیگر از مهم‌ترین مناطق مورد اختلاف، مجادلات بر سر منطقه ابوالخفوس است که از سال ۱۹۶۵ تاکنون دو کشور عربستان و قطر نتوانسته‌اند برای حل آن راه‌حل بیابند. منطقه الخفوس در نزدیکی راهی قرار دارد که به یک پایگاه دریایی منتهی می‌شود که عربستان سعودی آن را در «خورالعدید» ایجاد کرد. خورالعدید خلیج کوچکی است که در جنوب قطر واقع شده و تحت حاکمیت عربستان است. (آرمند، ۱۳۹۶: ۳) این منطقه از این جهت برای قطر مهم شمرده می‌شود که از این طریق می‌تواند به امارات، بزرگ‌ترین شریک تجاری خود مرتبط شود و قطری‌ها اعتقاد دارند، تصرف این منطقه توسط عربستان موجب می‌شود تمام راه‌های زمینی قطر به عربستان منتهی شود و آن‌ها برای ارتباط و دستیابی به کشور امارات مجبور باشند که از خاک عربستان عبور کنند. (Morton, 2013:191-192)

ویژگی‌های ژئوپلیتیک عربستان که از طریق نظام پادشاهی آن تکمیل شده، سرشتی محافظه‌کار و ثبات‌گرا به این دولت داده است؛ بنابراین، تا زمانی که پادشاهی سعودی در عربستان قدرت سیاسی را در اختیار دارد، اتخاذ استراتژی توسعه‌طلبی از جمله انضمام‌طلبی ارضی از سوی عربستان احتمالی بعید است. با وجود این سعودی‌ها در برابر رویدادهای قطر با جمعیت بومی وهابی و بحرین به دلیل اکثریت شیعی و پیوندهای عمیق آن‌ها با شیعیان شرق عربستان، آماده‌اند تا در صورت لزوم، در امور داخلی این دو کشور مداخله آشکار و جدی کنند. از این رو، انتظار می‌رود در صورت رشد و اوج‌گیری ناآرامی‌های مهارناشدنی در قطر و بحرین، سعودی‌ها برای بازگرداندن ثبات به نفع نظام‌های حاکم و هضم این کشورها وارد عمل شوند. در چنین وضعیتی و با وجود فضای سیاسی - نظامی حاکم بر خلیج فارس و با فرض حمایت یا سکوت ایالات متحده از اقدام سعودی‌ها، قدرت مانور ایران در برابر سعودی‌ها زیاد نیست، اما چنین عملی، منجر به ایجاد دور جدیدی از تنش و مشاجره در منطقه خواهد شد. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۹۴-۱۹۵)

## ۲- قطر و اتهام تحریک شیعیان عربستان و بحرین

موضوع مهمی که دستاویز سعودی‌ها علیه قطر شد، اتهام این کشور به دخالت در امور عربستان و حمایت از شیعیان این کشور، که مهم‌ترین اپوزیسیون این کشور قلمداد می‌گردند، بوده است. موج ناآرامی‌ها و شورش‌های شیعیان عربستان علیه آل سعود و نیز شیعیان بحرین علیه آل خلیفه در دو سال اخیر به بیشترین میزان خود رسیده است. سران سعودی، به خصوص محمد بن نایف،

ولیعهد سابق سعودی، علت تشدید فعالیت‌های شیعیان این کشور و بحرین علیه دولت مرکزی را هم‌صدایی قطر با سیاست‌های حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال شیعیان منطقه می‌داند. (سمیث‌دیوان، ۱۴۳۸: ۲۸-۲۷) در ۱۴ مارس سال ۲۰۱۱، عربستان سعودی در برابر پیشرفت و گسترش قیام عربی و روحیه بیداری در منطقه صف‌آرایی کرد. این واکنش، به ائتلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی منجر شد و در راستای توافقنامه امنیتی شورای همکاری خلیج فارس، هزاران سرباز سعودی و حدود ۵۰۰ نیروی پلیس امارات متحده عربی و تعدادی از سربازان قطری برای سرکوب اعتراضات بحرین به این کشور اعزام و در سراسر گذرگاهی که این دو کشور را به هم متصل می‌کرد مستقر شدند، تا از این طریق قیام عمدتاً شیعی بحرینی را سرکوب کنند. از نظر عربستان سعودی حمایت از پادشاهی بحرین، به معنی حمایت از همه پادشاهی‌های خلیج فارس بود و از این طریق پیام روشنی را به جمعیت شیعی خود فرستاد و تلاش کرد نفوذ ایران را در خلیج فارس محدود کند. برای امریکا نیز، دخالت و کنترل قیام بحرین به‌عنوان یک اقدام توازن‌بخش در حفظ دسترسی به پایگاه نظامی بود که به‌عنوان مرکز فرماندهی ناوگان پنجم امریکا عمل می‌کرد. (Aarts and others, 2012: 797-99) بنابراین، عربستان به قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی خود با قطر مبادرت ورزید و آن کشور را مورد تحریم‌های مختلف قرار داد.

### ۳- تعارضات ایدئولوژیک دوحه و ریاض

برخی از اختلافات همسایگان، ناشی از رقابت‌ها یا تداخل دیرینه منابع و علائق فرهنگی است. این منابع مشاجره در شمار منابع ژئوکالچرال محسوب می‌شوند و رقابت‌های دیرینه قومی و ملی‌گرایانه، تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی یا گسترانیدن نظام ارزشی و حمایت از هم‌کیشان در کشور همسایه، بخشی از این فعالیت‌ها و عملکردهاست. گسترش دامنه نبردهای ایدئولوژیک، تعقیب مخالفان مسلح تا آن سوی مرزهای بین‌المللی، حمایت یا تلاش برای تغییر نظام سیاسی یا برکنار کردن رهبران، حفظ منابع فرهنگی برون‌مرزی و تلاش برای به دست گرفتن کنترل ایدئولوژیک منطقه بخشی از نتایج رقابت‌های سیاسی - فرهنگی کشورهای همسایه به‌ویژه عربستان در خاورمیانه است. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲) در این رابطه باید گفت در کنار مناقشات سرزمینی - تاریخی دو کشور، مسئله اخوان‌المسلمین و گفت‌وگو آن را باید یکی از مهم‌ترین مرجع اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک ریاض - دوحه قلمداد کرد. به همین سبب، سران سعودی، اخوان را در ردیف گروهک‌های تروریستی قرار داده و یکی از دلایل مهمی که منتهی به قطع روابط میان عربستان و قطر شده، نیز همین مسئله اخوان‌المسلمین است. سعودی‌ها اذعان کردند مادام که قطر دست از حمایت‌های اقتصادی خود از اخوان بر ندارد، تحریم این کشور از سوی شورای همکاری خلیج فارس ادامه خواهد داشت. (جاحز، ۱۴۳۹: ۳-۴) تشدید این اختلافات در نشست اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مارس ۲۰۱۴ صورت گرفت که در نهایت به خروج

سفرای عربستان، امارات و بحرین از قطر منجر شد. (Roberts, 2014:88) بنابراین، دوحه همواره با رویکرد اندیشه‌های اخوانی سعی در حمایت از گروه‌های اسلامی با همین اندیشه‌ها در کشورهای منطقه داشته است و با رشد و فعال‌تر کردن تفکرات اخوان المسلمین تلاشی جدی را در ایجاد جریان‌ی موازی در مقابل عربستان به کار بسته است، که در این رابطه عربستان به هجمه‌های تند و همه‌جانبه همراه با متحدان خود، دولت قطر را تحت فشار قرار داده‌اند تا از این طریق از دایره نفوذ قطر در کشورهای با اندیشه‌های اخوانی کاسته شود.

### پیامدهای تنش در روابط قطر و عربستان

تنش در روابط قطر با عربستان سعودی تأثیرات عمیقی را در حوزه‌ها و جبهه‌های مختلف برجای خواهد گذاشت، که در ادامه به بررسی پیامدهای ناشی از این گسست سیاسی پرداخته خواهد شد.

#### ۱- تزلزل مرجعیت عربستان در منطقه

عربستان امروزه مدعی است که مرکز چهار جهان مهم است: جهان عرب، جهان اسلام، خاورمیانه و بازار جهانی انرژی است و همین باعث شده تا عربستان به یکی از مهم‌ترین و بانفوذترین کشورها در جهان باشد. این منابع قدرت نرم به عربستان سعودی نیز قدرت سخت بیشتری داده است، اما عربستان سعودی نتوانسته است بین قدرت نرم و سخت و تعالی جایگاه خود برای برندسازی و تصویرسازی مثبت از خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی موفق باشد. وزیر خارجه عربستان سعودی معتقد است که سیاست خارجی عربستان عمیقاً در چهارچوب‌های مهم قدرت نرم عربستان جهت داده شده است و پیرامون اصول و اهداف زیر ساماندهی شده است: سیاست حسن هم‌جواری، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، تقویت روابط با کشورهای خلیج فارس و کشورهای شبه‌جزیره عربستان، تقویت روابط با کشورهای اسلامی و عربی برای تقویت منافع مشترک این کشورها و نیز حمایت از مسائل آن‌ها، اتخاذ سیاست عدم تعهد، استقرار روابط همکاری با کشورهای دوست و ایفای نقش مؤثر در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. (8: Gallarotto, 2012) با وجود این، عربستان سعودی در طی سال‌های اخیر سیاست واقع‌گرایی تهاجمی را در پیش گرفته و ضمن همسویی و همبستگی همه‌جانبه با غرب به‌ویژه آمریکا، به مداخله‌گرایی و سیاست سرکوب و تحریم کشورهای منطقه و جنبش‌های مردمی منطقه روی آورده است و به همراه آمریکا و غرب به ضدانقلابی‌ترین رژیم‌ها تبدیل شده‌اند. به خاطر همگرایی منافع آمریکا و عربستان سعودی در منطقه، سعودی‌ها به دنبال تحقق اهداف سیاست خارجی آمریکا هستند و دائماً در ترتیبات و سازوکارهای ایک مداخله می‌کند تا قیمت‌های نفت همچنان برای غرب پایین نگه داشته شود. عربستان با دادن پایگاه‌های هوایی و نظامی برای عملیات آمریکا در منطقه، عملاً برای تحقق منافع امنیتی آمریکا حرکت می‌کند و از تمام امکانات

خود برای بسیج تروریست‌ها و سرکوب مردم سوریه، یمن و بحرین و تضعیف وحدت کشورهای اسلامی اقدام کرده است. قدرت نرم داخلی و بین‌المللی و نفت دو عامل مهمی است که عربستان را کمک کرد تا در مواجهه با قیام‌های مردمی در سطح منطقه و داخل عربستان همچنان استقامت و پایداری نشان دهد و ثبات دولت خود را تضمین کند.

با تحریم قطر از سوی کشورهای عربی منطقه، در وهله نخست، مرجعیت عربستان سعودی و رهبری این کشور در منطقه و در میان اعراب به شدت دچار خدشه خواهد شد. حکام آل سعود همواره نوعی رهبری و قیومیت اعراب منطقه را داشته است، لیکن با گسست سیاسی قطر از این اتحاد، عربستان سعودی یقیناً متضرر بزرگ لقب خواهد گرفت. این امر زمانی ملموس‌تر خواهد شد که دیگر کشورهای عربی منطقه نیز همچون سوریه، عراق، یمن به تدریج، شکاف سیاسی عمیقی با سیاست‌های ریاض یافته‌اند؛ بنابراین، بحران مشروعیت و سروری آل سعود بر منطقه به‌طور روزافزونی در حال افول است. (Chollet and Other, 2017: 21-22) که این خود به تبع می‌تواند نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان را با چالش همراه کند و در مقابل زمینه شکل‌گیری و ایجاد نظم منطقه‌ای قطر را فراهم آورد.

واقعیت این است که اگر گفت‌وگو تشیع و محور مقاومت به ائتلاف ایران، سوریه، عراق و حزب‌الله لبنان را موج نخست اسلام سیاسی که در رقابت و چالشی نزدیک با اسلام وهابیسیم عربستان قرار دارد، تلقی نماییم، اکنون موج دوم این مسئله یعنی الحاق اسلام اخوانی به ائتلاف ترکیه-قطر در منطقه در حال شکل‌گیری است. این مسئله، به‌ویژه در حال حاضر که به تشدید چالش‌ها میان قطر و عربستان سعودی منجر شده و حمایت‌های ترکیه از قطر را در پی داشته، نشان می‌دهد که شکاف‌های ایدئولوژیکی میان اسلام اخوانی و اسلام وهابی در حال گسترش است.

## ۲- تغییر در رویکرد قطر نسبت به بحران سوریه

قطر یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کشورهای منطقه در تشدید بحران سوریه و حمایت‌های اقتصادی کلان از تروریست‌های فعال در این کشور بوده است، اما پس از تغییرات داخلی در قطر و ایستادگی دولت دمشق و همچنین تغییر موازنه قوا در منطقه و نیز در عرصه بین‌المللی، قطری‌ها مواضع جدیدی در مورد سوریه اتخاذ کردند و خواهان توقف حمایت از شورشیان مسلح، سرمایه‌گذاری نکردن مالی در بازار سیاه سوریه و نیز تغییر تدریجی رویکرد رسانه‌ای الجزیره برای پایان بخشیدن به اختلافات با سوریه شدند (مظاهری، ۱۳۹۶: ۲) و در این راستا برای تأمین منافع و اهداف منطقه‌ای خود رویکرد نرم‌تری را در قبال تحولات سوریه نسبت به گذشته اتخاذ کرده‌اند و برای ارائه راه‌حل‌های دیپلماتیک و کاهش بحران در آن کشور گام برمی‌دارند. در واقع باید اذعان کرد که دوحه پس از مسجل شدن این موضوع که سقوط اسد غیرممکن است، درصد توجه اقدامات خصمانه علیه سوریه برآمده است. قطر در توجیه اقدامات خود علیه دولت اسد در سوریه، همواره مسئله حمایت از مردم سوریه را مطرح کرده است و با این ادعا که قطر همواره

میان مردم و دولت سوریه، جانب‌دار مردم بوده، اقدامات خود را توجیه کرده است. (دوست، ۱۳۹۶، ۳۴)

### ۳- نوع مناسبات با تهران

از جمله مهم‌ترین دلایل ایجاد شکاف در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس، عدم رویکرد واحد و یکپارچه اعضا نسبت به ایران است. در حالی که عربستان سعودی به‌عنوان پرچم‌دار مقابله با گسترش نفوذ ایران در منطقه خواهان قطع همکاری کشورهای شورای همکاری با ایران بوده و در پی ایجاد ائتلاف ضدایرانی در کشورهای اسلامی است، که آخرین نمونه از این تلاش را در اجلاس مه ۲۰۱۷ ریاض با حضور دونالد ترامپ به نمایش گذاشت، اما قطر به‌عنوان کشوری که در پی ارتقای جایگاه خود و مطرح‌شدن به‌عنوان کشوری مستقل و صاحب نفوذ در سطح بین‌المللی است، با روی کار آمدن شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی رویکرد متفاوتی نسبت به ایران را در پیش گرفته است تا از این طریق هم منافع خود در همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با ایران را به دست آورد و هم از این طریق ریاض را تحت فشار قرار دهد. (آرمند، ۱۳۹۶: ۳)

بر این اساس، قطری‌ها با بهره‌مندی از قدرت نرم خود، نقش آفرینی‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای خود را در قالب‌های روزآمدتر پیش می‌برند و با ارائه الگوی مطلوب خود، برنامه‌ها و اهداف عربستان را با چالش مواجه می‌سازند، تا از این طریق موازنه قدرت منطقه‌ای را برای اهداف منافع خود شکل دهند. تنش در روابط قطر و عربستان می‌تواند منافع اقتصادی برای جمهوری اسلامی به دنبال داشته باشد. «علی طیب‌نیا»، وزیر امور اقتصادی و دارای ایران، آبان ماه ۱۳۹۳ حجم تجاری ایران و قطر را تنها حدود ۱۰۰ میلیون دلار در سال اعلام کرد. (عمادی، ۱۳۹۶: ۵)

بستن مرزهای زمینی، هوایی و دریایی با قطر توسط سه کشور عربستان، امارات و بحرین که سبب افزایش فراوان پرواز هواپیماهای قطری در حریم هوایی ایران و همچنین ارسال مواد غذایی از ایران به دوحه شد و همچنین حذف هراس آل ثانی از آل سعود در گسترش روابط با ایران، می‌تواند افزایش حجم تجاری دو کشور را در پی داشته باشد. قطر سالانه ۱۶۵ هزار پرواز به بیش از ۱۵۰ مقصد در دنیا دارد که با تنش اخیر اکنون تنها راه پرواز هواپیماهای این کشور از فراز آسمان ایران خواهد بود. در عین حال، با توجه به اینکه قطر به همراه ایران و روسیه بیشترین ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند، تقویت روابط دوحه-تهران می‌تواند همسویی بیشتری میان ایران، قطر و روسیه در موضوع گاز ایجاد کند. (عمادی، ۱۳۹۶: ۶) افزون بر این، این روابط می‌تواند به دنبال خود توافقات و تفاهماتی دوجانبه بین دوحه و تهران را در قضا و پرونده‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه و عراق یا جنگ یمن و وضعیت بحرین داشته باشد که این امر خوشایند سعودی‌ها نخواهد بود و معادلات منطقه را به سود تهران-دوحه تغییر خواهد داد.

#### ۴- اختلاف در مسائل منطقه‌ای

سیاست‌های منطقه‌ای از منابع اصلی بروز اختلاف بین قطر و عربستان است که به رقابت برای کسب حوزه‌های جدید نفوذ انجامیده است. این دو کشور که هرکدام داعیه رهبری جهان عرب و تقویت نفوذ خود در بین کشورهای این منطقه را دارند در تلاش‌اند که دایره نفوذ رقیب خود را محدود کنند و نفوذ خود را گسترش دهند. مهم‌ترین موضوعات منطقه‌ای مطرح در این زمینه مسئله یمن، بحرین، سوریه و مصر است. قطر در زمان روی کار آمدن محمد مرسی و اخوان المسلمین مبلغ ۲ میلیارد دلار به مصر کمک مالی کرد، اما در مقابل عربستان سعودی کمکی ۱۱ میلیارد دلاری را در اختیار نظامیان مصر قرار داد تا آن‌ها را تشویق به کودتا و سرنگونی اخوان المسلمین کند. در موضوع بحران سوریه نیز اگرچه دو کشور برای سرنگونی حکومت بشار اسد تمام توانایی مالی، نظامی و تبلیغاتی خود را در حمایت از مخالفان بکار گماردند، اما رقابتی بنیادین میان دوحه و ریاض در زمینه رهبری نیروهای مخالف در ائتلاف مشاهده می‌شود. به صورتی که با فشار سعودی‌ها احمد الجریبا به جای معاذ الخطیب که به قطر نزدیک بود ریاست ائتلاف را عهده‌دار شد. (آرمند، ۱۳۹۶: ۴) یکی از جلوه‌های فعال شکاف و تعارض مذهبی، کوشش عربستان و قطر و نیز کشور ترکیه برای نفوذ در جمعیت اهل تسنن خلیج فارس، خاورمیانه و شمال آفریقا است. بدیهی است که دولت سعودی در استفاده از قدرت مالی خویش برای پیشبرد عقاید وهابی تردیدی به خود نداده است. اثر این تبلیغ‌های سازمان‌یافته از دو جنبه برای امنیت ملی ایران و کشورهای منطقه خطرآفرین بوده است؛ ترویج این تفکر به‌ویژه تلاش برای تکوین تشکل‌های مذهبی، به تقویت انرژی واگرایی برخی از اهل سنت در سوریه، ایران و عراق نسبت به دولت‌های مرکزی این کشورها منجر شده است. برای افراد متعصب حنفی، زندگی در جامعه لائیک تحمل‌پذیرتر از کنار آمدن با جامعه و دولتی شیعی است؛ بنابراین، رقابت‌های ایدئولوژیک عربستان، قطر و ترکیه در منطقه می‌تواند به تعمیق تنش‌ها و اختلافات در منطقه منجر شود.

در این رابطه می‌توان گفت تضعیف قدرت سیاسی عربستان و متعاقباً ارتقای جایگاه قطر در منطقه، رفتار سنتی سایر کشورهای عربی منطقه را در سال‌های بعد دچار تغییر خواهد کرد که در درازمدت کارکرد منطقه‌ای عربستان را با اشکالات جدی مواجه خواهد کرد که این خود می‌تواند ضمن تغییر توازن سیاسی منطقه‌ای به ضرر عربستان، جایگاه ایران را در مناسبات منطقه‌ای ارتقا بخشد و بازوی رقبا را در منطقه قطع کند.

#### چالش‌ها و محدودیت‌های پیش روی سیاست خارجی قطر در بحران سوریه

اگرچه خیزش‌های مرمی عربی هنوز در مراحل اولیه حیات خود هستند، برخی از دانشمندان نسبت به قیام‌های عربی دیدگاه خوش‌بینانه‌ای دارند. با وجود این، تحولات مشخصی در جریان است که می‌تواند هشداردهنده باشد. بی‌ثباتی مزمن سیاسی و نبود پیشرفت اقتصادی می‌تواند

پیامدهای ناگواری برای جهان عرب و غرب داشته باشد و منافع اقتصادی و امنیتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. این تحولات در کشورهایی مانند لیبی، سوریه و یمن نگرانی فزاینده‌ای را برای منطقه و غرب ایجاد کرده است، زیرا این وضعیت به گروه‌های خشونت‌طلب و افراطی اجازه می‌دهد تا وارد این عرصه شوند و نفوذ خود بر این منطقه را گسترش دهند. (Aarts and others, 2012:150-151) مداخله و حمایت قطری‌ها از گروه‌های معارض و خشونت‌طلب با دولت‌های برخی کشورهای منطقه مانند سوریه و عراق باعث بالا رفتن فتنه‌ها و تنش در روابط سیاسی و دیپلماتیک این کشور با برخی کشورها منطقه غرب آسیا و نیز همسایگانش شده است. این تنش‌ها تضعیف نقش میانجی‌گرایانه قطر و تبدیل آن به دخالت در امور داخلی کشورها را در پی داشته است. (رجبی بهجت، ۱۳۹۴: ۱۳۵) چالش دیگر قطر در خصوص رویکرد خود نسبت به تحولات سوریه، شبکه الجزیره است، شبکه الجزیره که روزگاری یکی از اصلی‌ترین شبکه‌های پربیننده عربی بود، امروز به دلیل حمایت از سیاست‌های دوحه و تبدیل شدن به رسانه‌ای حکومتی اکثر بیننده‌های خود را از دست داده است. (نجات و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۳) حمایت سیاسی، مالی و تسلیحاتی از گروه‌های افراطی و تندرو و جبهه بین‌المللی و منطقه‌ای قطر را مخدوش کرده و سیاست خارجی این کشور را نزد افکار عمومی ملت‌های منطقه به‌عنوان حامی افراط‌گرایی و ستیزه‌جویی تغییر داده است. (رجبی بهجت، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۵)

پیامد منفی دیگر رویکرد قطر در مورد بحران سوریه به مسائل اقتصادی بازمی‌گردد. قطر پانزده سال (۲۰۱۵-۲۰۰۰)، هر ساله شاهد مازاد سرمایه و افزایش ذخیره صندوق سرمایه‌گذاری خود بود، اما اکنون به اذعان وزیر امور اقتصادی و دارایی این کشور، با کسری بودجه مواجه شده است. بی‌تردید این کسری بودجه نتیجه سیاست خارجی مداخله‌جویانه قطر است. این کشور در بحران سوریه از بازیگران اصلی بود و هزینه زیادی را برای سقوط نظام بشار اسد اختصاص داد. (کاظمی، ۱۳۹۵: ۳)

یکی از ارکان قدرت منطقه‌ای اعضای شورای همکاری خلیج فارس از جمله قطر، بهره‌گیری از ظرفیت این شورا در راستای اهداف سیاست خارجی‌شان بوده است، اما تداوم و رشد تنش سیاسی میان قطر و عربستان سعودی سبب شده است این شورا عملاً به نهادی فاقد انسجام تبدیل شود و وحدت در شورای همکاری خلیج فارس و همچنین اتخاذ یک سیاست مشترک میان اعضا تضعیف شود؛ تا جایی که نشست سران این شورا در دسامبر ۲۰۱۷ در کویت بدون حضور سران عربستان، امارات و بحرین برگزار شد. این نشست که کوتاه‌ترین نشست سران شورای همکاری بود، تنها طی ۱۵ دقیقه پایان یافت که منجر به تحلیل‌های متعددی در خصوص شکاف در شورای همکاری خلیج فارس شد. (زارعی، ۱۳۹۷: ۱۳۶-۱۲۵) بر این اساس، به نظر می‌رسد قطر با توجه به تغییراتی که در معادلات منطقه‌ای رخ داده است، سعی دارد سیاست منطقه‌ای خود را به شیوه‌ای جدید و در چهارچوب تحولات تازه منطقه پیش ببرد. چنانکه سفر سه‌روزه اخیر شیخ

تمیم به کشورهای حوزه خلیج فارس برای تأکید بر ایجاد اتحادیه میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و تلاش این کشور برای ایفای نقش میانجی در بحران سوریه بین دولت و مخالفان نشان‌دهنده شروع تحرکات جدید قطری‌ها در سیاست خارجی است. (جوکار، ۱۳۹۲: ۳)

در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷ رؤسای جمهوری سه کشور ایران، ترکیه، و روسیه طی یک نشست مهم در «سوچی» روسیه، دیدار و گفت‌وگو کردند. نشست سه‌جانبه سوچی و بیانیه پایانی آن دلالت بر همگرایی سه کشور ایران، ترکیه و روسیه با وجود اختلافات بین آن‌ها دارد. محورهای اصلی بیانیه پایانی نشست، شامل دعوت از همه گروه‌های سوری برای مذاکره بدون پیش‌شرط، سیادت و استقلال و وحدت اراضی سوریه، ایجاد راه‌حل سیاسی مبتنی بر انتخابات آزاد و شفاف، تقویت مناطق کاهش تنش و نیز اعلام همکاری دولت‌های ترکیه، ایران و روسیه برای دستیابی به راه‌حل صلح‌آمیز بحران سوریه در چهارچوب بیانیه ۲۲۵۴ بوده است. مفاد بیانیه سوچی نشان از اراده دولت‌های مذکور برای تسهیل راه‌حل سیاسی در سوریه دارد که این راه‌حل باید در ژنو و تحت نظارت سازمان ملل صورت گیرد، اما در مقابل این جبهه، گروه‌های معارض سوری در بیانیه ریاض به‌نوعی مواضع خود را اعلام کردند که دولت سوریه و هم‌پیمانان آن‌ها قادر به پذیرش آن نیستند. (عرب، ۱۳۹۶: ۲-۳) به نظر می‌آید که گفت‌وگوی سوری - سوری امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با توافق بر سر روشی که طرفین آن را بپذیرند. حضور نیروهای امریکایی در سوریه و نیز تصرف سرزمین‌های زیادی توسط کردهای تحت حمایت امریکا و نیز تلاش روسیه و ایران برای تدوین روشی که بتواند خواسته‌های آنان را تأمین کند، مسیر حل بحران سوریه را دشوار کرده است.

### تجزیه و تحلیل

بر پایه آنچه تاکنون به آن اشاره شد می‌توان دریافت که کشور قطر از جمله کشورهای منطقه‌ای فعال در تحولات منطقه‌ای در غرب آسیا و شمال آفریقا است. با شروع بحران سیاسی در سوریه، قطر با چراغ سبز امریکا، همگام با عربستان سعودی آشکارا و بی‌پروا در امور داخلی این کشور دخالت کرده و عملاً به‌عنوان یک طرف بازی با ابزارهای مختلف در تشدید و عمیق‌تر شدن هر چه بیشتر بحران سوریه از هیج تلاش در پیغ نکرد. تحرکات و مداخله جویی قطر در قبال بحران سوریه که با ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بوده است، با هدف کاستن از توان محور مقاومت و مهار نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و به قدرت رساندن عناصر و جریان‌های افراطی نزدیک به خود در سوریه بود؛ به‌گونه‌ای که با کاهش قدرت و توان بازیگری ایران در منطقه، نفوذ و قدرت دیپلماسی خود را در سطح منطقه و بین‌الملل افزایش دهد، زیرا موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه به خاطر هم‌جواری با دریای مدیترانه به‌گونه‌ای است که می‌تواند پل ارتباطی برای صادرات گاز قطر به اروپا باشد. قطر با اتخاذ سیاستی مشابه ریاض با هدف حذف اسد از معادلات سیاسی سوریه به حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای از معارضان سوری و



گروه‌های تروریستی از جمله داعش و... پرداخت؛ تا ضمن حذف نقش منطقه‌ای سوریه، با تضعیف محور مقاومت اسلامی، موازنه منطقه‌ای را با ایران متعادل کند و در نهایت جلوی نفوذ روزافزون آن را در منطقه بگیرد. همچنین در ادامه باید افزود قطر در راستای تضمین بقا و امنیت رژیم سیاسی خود ائتلاف با قدرت‌های غربی به خصوص امریکا را یکی از راهبردهای کلان سیاست خارجی خود قرار داده و در سیاست منطقه‌ای نیز سعی کرده است هماهنگی و همکاری مناسبی با امریکا داشته باشد. به باور مقامات قطر، ائتلاف با امریکا می‌تواند در مقابل تهدیدهای بازیگران منطقه‌ای قدرتمند مانند عربستان سعودی موازنه ایجاد کند. در جریان خیزش‌های مردمی و تحولات جدید جهان عرب نیز مواضع و نقش‌آفرینی قطر تا حد زیادی در قالب همراهی و همکاری با سیاست‌های امریکا در خاورمیانه قابل تبیین است.

نکته حائز اهمیت در این میان روابط سیاسی دوحه-ریاض است که در خلال سال‌های گذشته دچار فراز و فرودهایی شده و در حال حاضر نیز روابط دو کشور پس از نشست ریاض و با سفر دونالد ترامپ در خرداد ۱۳۹۶ به منطقه دچار واگرایی شده است. برای واگرایی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی دلایل متعددی می‌توان برشمرد؛ مانند مناقشات ارضی میان قطر و عربستان، اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی، چرخش پارادایمی سیاست خارجی قطر در برخی از سیاست‌های منطقه‌ای و اذعان به اهمیت منطقه‌ای و اسلامی ایران و در نهایت گسست سیاسی این کشور از عربستان. هم‌اکنون بیش از یک سال از بحران روابط عربستان و قطر می‌گذرد. شاید مهم‌ترین دلیلی که باعث شد قطر شروط خواسته‌شده توسط کشورهای تحریم‌کننده را نپذیرد، بازیگری قطر در غرب آسیا و موضوع هویت‌یابی این کشور در منطقه است. از سال ۱۹۹۵/س.ا.س قطر از یک بازیگر ذره‌ای تبدیل به یک بازیگر منطقه‌ای شده است که در بحران‌های مختلفی نقش‌آفرینی می‌کند. اقدامات مختلفی که در طول سال‌ها قطر با بهره‌مندی از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم خود در منطقه انجام داده و توانسته در تحولات این منطقه و بین‌الملل به نحوی تأثیرگذار باشد، نشان از این دارد که این کشور توانسته نقشی را برای خودش در منطقه تعریف کند. در این راستا، رویکرد بهبود و نزدیکی روابط قطر به ایران حتی اگر مبتنی بر انگیزه‌های سیاسی از سوی قطر باشد، علاوه بر اینکه فرصتی را در اختیار دستگاه دیپلماسی ایران برای همگرایی بیشتر در منطقه قرار می‌دهد، کارت بازی مهمی برای برهم زدن نمایش اجماع کشورهای عربی علیه ایران و جبهه مقاومت پس از سفر پرسروصدای ترامپ به ریاض و منطقه است، زیرا به خوبی شکاف‌های جدی در جبهه عربی علیه ایران از جمله شورای همکاری خلیج فارس و همچنین یک‌دست نبودن اراده برای اجرای سیاست‌های امریکا در منطقه را نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

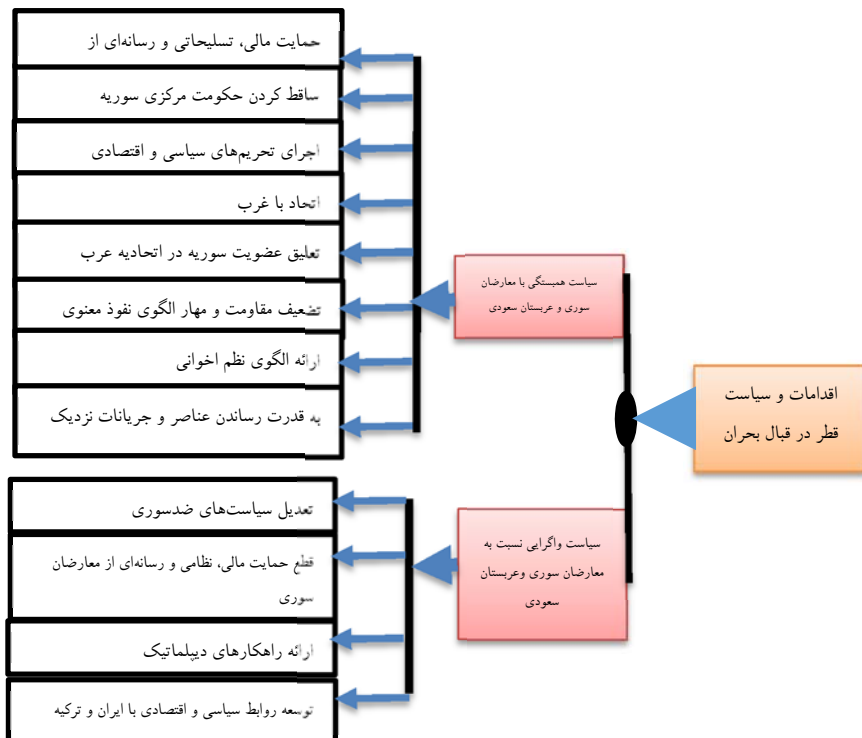
قطر دارای مؤلفه‌های واقعی قدرت نیست و می‌کوشد با بهره‌مندی از توانمندی‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای و با تکیه بر منابع مالی و پیروی بی‌چون‌وچرا از سیاست‌های قدرت‌های فرمانبردار و

رژیم صهیونیستی برای خود نقش در منطقه تعریف کرده و خود را بازیگری مؤثر بشناساند. قطر کشوری است که در روند بحران در سوریه نقش مهمی داشته و تمام سعی خود را در حمایت از مخالفان دولت گذاشته تا با ساقط کردن دولت مرکزی سوریه و حاکم شدن گروه‌های همسو، کمربند مقاومت را پاره کند. تلاش برای جلب نظر گروه‌های فلسطینی، مجهز کردن مخالفان رژیم سوریه و به اجماع رساندن کشورهای عربی علیه این کشور از جمله اقداماتی است که این کشور برای سقوط بشار اسد انجام داده است. با این حال، شواهد گویای این است که دولت قطر از آغاز سال ۲۰۱۷ همسویی بیشتری با جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه داشته که از جمله آن همکاری در زمینه ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه است. روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی به‌رغم وجود بعضی چالش‌های جغرافیایی و مرزی، همواره حسنه و مبتنی بر اتحاد و وحدت بوده است، اما از بیداری اسلامی به بعد، نوعی شکاف سیاسی در مسائل مربوط به منطقه میان قطر و عربستان سعودی پدید آمده است. از یک‌سو، قطر و عربستان سعودی در بحران‌هایی همچون سوریه، عراق و یمن نوعی وحدت استراتژیکی داشته‌اند، اما در برخی موارد همچون حمایت قطر از اخوان‌المسلمین و دشمنی عربستان سعودی از این جنبش، روابط راهبردی قطر-ترکیه و نارضایتی سعودی‌ها از این رابطه، جاه‌طلبی‌های اخیر قطر و ادعان به نقش ثبات‌بخش ایران در منطقه و نگرانی‌های عمیق سعودی‌ها و درنهایت گسست کامل قطر از سیاست‌های عربستان سعودی در منطقه (هرچند مقطعی)، سرانجام منجر به تحریم قطر از سوی اعراب خلیج فارس شد.

اعمال چنین تحریم‌هایی از سوی عربستان سعودی یقیناً بازخوردهایی خواهد داشت، زیرا چرخش پارادایمی قطر در سیاست خارجی خود از تمایل به گفت‌وگو با حزب‌الله لبنان گرفته تا تغییر اساسی مواضع قطر در مسائلی همچون بحران سوریه، بحران عراق، جنگ یمن و درنهایت تمایل به توسعه روابط همه‌جانبه با جمهوری اسلامی ایران باعث دورتر شدن فاصله دوحه از ریاض خواهد شد. از سویی دیگر، مرجعیت گفتمان وهابیت از سوی بن سلمان در منطقه، نه تنها نتایج مورد دلخواه آل سعود را به همراه نداشته است، بلکه پیروزی‌های چشم‌گیر محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه، شکست داعش در عراق و کشته شدن خلیفه خودخوانده داعش در عراق، پیروزی‌های متوالی ارتش سوریه بر تروریست‌های این کشور، از یک‌سو و گفتمان اسلامی-اخوانی ترکیه و قطر از سوی دیگر، عملاً گفتمان اسلام وهابی را به انزوا کشانده است.

درواقع تنش در روابط دوحه و ریاض علاوه بر منافع منطقه‌ای این دو کشور و شاخص‌های شخصیتی سران آن‌ها، تابعی از منافع و برنامه‌های امریکایی-صهیونیستی و برخی تسویه‌حساب‌های منطقه‌ای و مناقشات سرزمینی تاریخی است. درنهایت اینکه، اگرچه افزایش تنش و بی‌ثباتی در محیط خاورمیانه به‌خصوص محیط مجاور جمهوری اسلامی ایران تأمین‌کننده

منافع آن نیست، اما با توجه به کاهش سطح روابط تهران-ریاض از رقابت به تنخاصم، تنش اخیر میان قطر و عربستان و متحدان عربی آن می‌تواند فرصت‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران جهت به چالش کشیدن رویکرد ضد ایرانی آل سعود ایجاد کند و همچنین باعث شود تا دوحه با احتیاط بیشتری به آینده سوریه بنگرد و رویکردی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران و متحدان آن را در قبال بحران سیاسی در سوریه دنبال کند.



(منبع: نگارندگان)

## کتابنامه

### الف - کتب

۱. جرج، واشنگتن بلاگ؛ وین، مادسون؛ وبستر جی، تاریلی، ۱۳۹۶، داعش، خود ما (امریکا) هستیم؛ حقایق تکان‌دهنده پشت پرده ارتش ترور، ترجمه رضا التیامی‌نیا، علی باقری دولت‌آبادی و علی محمدی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲. کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۷۹، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
۳. نانسی، شو، ۱۳۸۷، تاریخچه، مسائل و وعده‌ها در: نیکلاس جی کال، دیپلماسی عمومی، ترجمه معاونت پژوهش، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۴. نجات، سید علی، ۱۳۹۶، بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

### ب - مقالات

۵. ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۹۱)، «اخوانی‌گرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵(۵۵): ۸۹-۱۱۸.
۶. اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی قطر و تحولات عربی؛ مبانی و مؤلفه‌ها»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۲(۴۷): ۱۴۸-۱۲۷.
۷. اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، «نقش قطر در خیزش‌های مردمی جهان عرب: ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، ۲(۴): ۱۲۴-۱۰۵.
۸. اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۱)، «بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۳(۵۰): ۱۷۸-۱۴۷.
۹. بشارتی، محمدرضا؛ لهراسی‌نچکوهی، شهاب، (۱۳۹۵)، «بررسی نقش قطر در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۵(۸۰): ۶۵-۵۹.
۱۰. جالینوسی، احمد؛ سادات طباطبایی، یگانه؛ البرزی، هنگامه، (۱۳۹۴)، «نقش‌آفرینی قطر در منطقه خلیج فارس با توجه به مناقشات اخیر خاورمیانه»، فصلنامه علمی-ترویجی بیداری اسلامی، ۴(۸): ۹۲-۱۲۶.
۱۱. دوست، علی محمد؛ یونس، فروزان؛ مسعودنیا، حسین، (۱۳۹۶)، «تبیین دلایل واگرایی در روابط سیاسی عربستان سعودی و قطر»، فصلنامه امنیت پژوهی، ۱۶(۵۹): ۵۲-۲۳.
۱۲. رجبی بهجت، داوود، (۱۳۹۴)، «سیاست خارجی قطر: چالش‌ها و فرصت‌ها (۲۰۱۴-۱۹۹۶)»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲(۶۲): ۱۳۸-۱۰۹.
۱۳. رنجبر حیدری، وحید؛ فرجی، محمدرضا؛ جمشیدی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، «نقش شبکه خبری الجزیره در دیپلماسی رسانه‌ای قطر»، فصلنامه سیاست جهانی، ۱۴(۱): ۲۳۵-۲۰۳.

۱۴. زارعی، علیرضا، (۱۳۹۷)، «ریشه‌ها و نتایج اختلافات عربستان و قطر»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۱۹(۱)؛ ۱۳۸-۱۰۹.
۱۵. مددی، جواد، (۱۳۹۲)، «الگوی رفتاری قطر در قبال خیزش‌های عربی»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۴(۵۵)؛ ۱۱۸-۸۷.
۱۶. نیک‌محمدی، محمد، (۱۳۹۰)، «شبکه‌های خبری عربی و بیداری اسلامی: الجزیره و العربیه»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، ۱۲(۴۶)؛ ۱۸۲-۱۵۱.

### ج- عربی

۱۷. جاحز، علی، (۱۴۳۹)، «بین السعودیه و قطر و ترکیا، حزب الاصلاح فی الیمن یفقد بوصلته، البديل»، ۳ محرم.
۱۸. سمیث‌دیوان، کریستین، (۱۴۳۸)، «جیل جدید من افراد العائله المالکة و دینامیات الخلاف فی دول الخلیج العربی»، معهد دول الخلیج فی واشنگتن.
- د- اینترنتی
۲۰. آرمند، حسین، (۱۳۹۶/۳/۱۵)، «تنش میان عربستان و قطر؛ پایان رؤیای وحدت کشورهای عربی»،

<http://alwaght.com/fa/News/99737/>

۲۱. باشگاه خبرنگاران جوان، (۱۳۹۶/۳/۲۱)، «چرا عربستان روابط دیپلماتیک را با قطر قطع کرد»،

<https://www.yjc.ir/fa/news/۶۱۱۷۵۹۲/>

۲۱. جوکار، مهدی، (۱۳۹۲/۸/۱۲)، «مسیر جدید قطر در معادلات منطقه‌ای»،

<http://www.irna.ir/fa/News/۸۰۸۸۷۶۲۶/>

۲۲. حسن‌وند، موسی، (۱۳۹۶/۳/۱۸)، «مسئله قطر و نقش ایران در آینده منطقه»،

<https://newspaper.mardomsalari.ir/۴۳۳۴/page/15/14830/>

۲۳. ذراتی، ماشاءالله، (۱۳۹۴/۴/۳۱)، «خط لوله منطقه حائل در سوریه - ترکیه - قطر»،

<http://www.tabyincenter.ir/qadim/index.php/rasad/>

۲۴. سایت یورونیوز، (۱۳۹۶/۹/۱)، «دوستی تهران و دوحه؛ آیا سیاست قطر در قبال سوریه تغییر می‌کند؟»،

<https://fa.euronews.com/2017/09/01/qatars-syrian-policy-changed-of-intact>

۲۵. سیف، سعید، (۱۳۹۶/۳/۲۱)، «۴ دلیل برای شدت گرفتن اختلافات قطر و عربستان/ از

تقابل اسلام حنبلی و سلفی تا داعیه رهبری بر جهان عرب»، <http://www.didbaniran.ir>

۲۶. عالی‌شاه، فاطمه، (۱۳۹۵/۵/۱۷)، «بررسی اهداف بازیگران داخلی و خارجی در تحولات

سوریه»،

<http://www.rohama.org/fa/content/۱۸۳۳>

۲۷. عرب، محمدرضا، (۱۳۹۶/۹/۲۲)، «نزاع بر سر راهکار سیاسی بحران سوریه؛ روش یا محتوا؟»،

<http://tabyincenter.ir/۲۲۶۸۲/>

۲۸. عمادی، سید رضی، (۱۳۹۶/۴/۱۵)، «فرصت‌ها و تهدیدهای تنش قطر با عربستان برای ایران»،

<http://www.taadolnewspaper.ir>

۳۰. کاظمی، مریم، (۱۳۹۵/۶/۳)، «چرخش سیاست قطر در قبال سوریه بدنبال تغییر موضع ترکیه»،

<http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۲۰۱۶۴۰>

۳۱. مظاهری، محمدمهدی، (۱۳۹۶/۳/۱۹)، «قطر؛ بازی منافع با کارت قدرت‌های منطقه‌ای»،  
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/۱۹۶۹۴۵۵۰/>

۳۲. میرزاده، مهدی، (۱۳۹۰)، «اهداف ائتلاف غربی-عربی از افزایش فشارها بر سوریه»،  
<https://www.cmess.ir/Page/View/۹۳۴/۰۳-۱۲-۲۰۱۱>

#### ۵- پایان‌نامه

۳۳. نجات، سید علی؛ جعفری ولدانی، اصغر؛ آدمی، علی، (۱۳۹۲)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در تحولات سوریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

#### و- انگلیسی

34. Aarts, Paul and Pieter van Dijke and Iris Kolman and Jort Statema and Ghassan Dahhan (۲۰۱۲), "from Resilience to Revolt: Making Sense of the Arab Spring", university of Amsterdam.
35. Anzawa, Munehiro (2011), "Al Jazeera as a Political Tool Within the
36. Contradictions of Qatar", **The American University in Cairo, School of**
37. **Global Affairs and Public Policy, A Thesis Submitted to the Department of**
38. **Middle East Studies.**
39. Chollet, Derek and Other (2017), "U. S. Commitments in the Middle East: Advice
40. to the Trump Administration", **Journal of Middle East Policy**. Vol 24. No 1. pp 5-34.
41. Dargin, Justin (2007), "Qatar Natural Gas: The Foreign-Policy Driver",
42. **Middle East Policy**, Vol.XIV, No 3.
43. Gray, Matthew (2013), "Qatar: Politics and the Challenges of Development", Boulde: CO: **Lynne Rienner.**
44. Hroub, Khaled (2012), "How Al-Jazeera's Arab spring advanced Qatar's foreign
45. Policies", Autumn, Sunday, 08 April. at:

46. [http://www.europesworld.org/NewEnglish/Home\\_old/Article/tabid/191/Article](http://www.europesworld.org/NewEnglish/Home_old/Article/tabid/191/Article)
47. [Type/ArticleView/ArticleID/21877/HowAlJazeerasArabspringadvancedQatarsforeignpolicies.aspx](http://www.europesworld.org/NewEnglish/Home_old/Article/tabid/191/Article/Type/ArticleView/ArticleID/21877/HowAlJazeerasArabspringadvancedQatarsforeignpolicies.aspx)
48. tarsforeignpolicies.aspx
49. Izadi, Foad and Richard Nelson (2009), Ethics and Social Issues in Public Diplomacy in the book: Routledge Handbook of Public Diplomacy, Edited by Nancy Snow, Philip M. Taylor, London and new York: Routledge.
50. Kamel, Ayham (2011), "Saudi Arabia and Iran set to jockey for position in Syria", **Foreign Policy**, Available at: <http://foreignpolicy.com/2011/08/11/saudi-arabia-and-iran-set-to-jockey-for-position-in-syria/>, Accessed on: 25 June 2016.
51. Kamrava, Mehran (2011), "Mediation and Qatari Foreign Policy", **researchgate**, available in:
52. [https://www.researchgate.net/publication/233600586\\_Mediation\\_and\\_Qatari\\_Foreign\\_policy](https://www.researchgate.net/publication/233600586_Mediation_and_Qatari_Foreign_policy)
53. Katari, Ravi S. (2013), "Medical Neutrality and Solidarity in the Syrian Armed Conflict" **The Journal of Global Health**, Vol 6, No 3, pp. 1- 14.
54. Kessous, Mustapha (2011), Sports as Diplomacy: How Small Gulf Countries Use Big Sports to Gain Global Influence, Monday, June 2011.
55. Khalaf, Roula and Abigail Fielding Smith (16/5/2013), "Qatar bankrolls Syrian revolt with cash and arms", from: <https://www.ft.com>.
56. Khatib, Lina (2013), "Qatars foreign policy: the limits pragmatism", **International Affairs**.
57. Khatib, Lina (2014), "Qatar and the Recalibration of Power in the Gulf", **Carnegie Middle East Center**, September 2014. pp 1-30.
58. Gallarotto, Giulio (2012), "Saudi Arabia s soft power", **international studies**, Washington dc.
59. Melissen, Jan (2007), **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relation**, Hampshire: Palgrave Macmillan.
60. Morton, Michael (2013), **Buraimi: The Struggle for Power, Influence and Oil in Arabia**, London: IB Tauris Publishing.
61. Nazemroaya, Mahdi Darius, 2011, **The Legal Regime being formed against Syria by the Arab League, SNC, and R2P**, pp: 1-5
62. Phillips, Christopher (2015), **Gulf Actors and the Syria Crisis**, **Middle East Centre, London School of Economics and Political Science**.
63. Philips, Christopher (2017), "Eyes Bigger than Stomachs: Turkey, Saudi Arabia and
64. Qatar in Syria", **Journal of Middle East Policy**. Vol 9. No 1. pp 19- 41.
65. Roberts, David (2014) "Qatar and the Muslim Brotherhood: Pragmatism or Preference?", **Journal of Middle East Policy**, Vol 21. No 3. pp 84-94.
66. Rubin, Lawrence (2010), "typology of soft powers in middle east politics", **researchgate**. December 2010.
- 67.

68. Steinberg, Guido(2012), “Qatar and the Arab Spring: Support For Islaists and New Anti- Syrian Policy”, German Institute For international and Security Affairs, SWP.  
WWW.SWP-berlin.Org/fileadmin/Contents/Products/.../2012C07- Sbg. Pdf.
69. Stuster, Dana (2017), “U.S. and Iran Compete in Eastern Syria, Qatar and Saudi Arabia Renew Old Feud, and More Fighting in Libya after Attacks in Manchester and Minya”, Middle East Ticker, May 30. 2017.
70. Ulrichsen, Kristian Coates(2014), **Qatar and the Arab Spring**, Oxford University Press, INC, Publishes Works that further, Oxford Universitys objective of excellence jn research, scholarship, and education.